

## رژیم ایران آرزوی گسترش روابط با پاکستان کرد

کیهان دوشنبه ۱۸ آبان) گرچه روابط  
حسنة فی ما بین دو کشور از مدت‌ها پیش  
جریان داشته است و از جمله پاداران -  
هم اکنون در پاکستان تعلیم خلبانی  
می‌بینند و مستشاران نظامی پاکستان  
در پاکستانها ایران کاربرد سلاحهای  
آمریکائی را آموزش میدهند، اما رشد  
و گسترش روابط دو کشور ایران و پاکس-  
تان چیزی فراتر از موارد ذکر شده بوده و مسئله  
بقیه در صفحه ۵

میرحسین موسوی خامنه‌ای که اخیراً  
به نخست وزیری رژیم جمهوری اسلامی -  
منسوب شده است و برای جلوگیری از اطلاع  
مردم در مورد وابستگی خانوادگیش به  
خامنه‌ای، رژیم آمریکا را بریدن نام کامل  
او خودداری می‌کند، طی بیانی که در پاسخ  
بیان تبریک ضیاء الحق این مهره دست  
نشانده آمریکا فرستاد، آرزوی "رشد روابط  
دو کشور برادر پاکستان و ایران" را نمود

### سرفاله

### ناشیکریهای دیپلماتیک

وزارتخانه رژیم جمهوری اسلامی در  
هفته گذشته یکی دیگر از شیرین کاریهای  
دیپلماتیک! خود را بنمایش گذاشت و در  
ادامه سیاست دیپلماتیک فعال! یک طرح  
احمقانه و در همان حال ناشیانه را برای  
حل مسئله افغانستان ارائه داد.  
این طرح گرچه بهمان اندازه پیشنهاد  
تشکیل یک "جبهه اسلامی" مسخره و بی پایه  
است و در مقابل بین المللی کسی جز  
مسخره با این طرح برخورد نکرد، اما از این  
زاویه که گردانندگان دیپلماتیک رژیم  
با ناشیکری کودکانی ما هیبت سیاستهای  
ارتجاعی، تجا و زکرا نه و مداخله جویانه  
خود را افشا کرده اند، بسیار قابل آموزنده  
است.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز  
بفردت رسیدنش در ادامه سیاستهای داخلی  
خود، در سیاست خارجی نیز که بنحولایتفکی  
با سیاست داخلی پیوند دارد و ادامه  
و انعکاس آن محسوب میشود، دست سیاستهای  
ارتجاعی و فدا نقلاپی زد و کوشید تحت عنوان  
"صدور انقلاب اسلامی و در واقعاً عملیست  
پان اسلامیسما ارتجاعی، مرتجع ترین نیرو-  
های مذهبی را در منطقه بسیج کند و بدین -  
طریق سیاستهای ما چرا جویانه، ارتجاعی  
و تجا و زکرا نه خود را آغا ز نمود.  
اگر تا دیروز ما هیبت ارتجاعی این  
سیاستها و عواقب زیانبار آن بر شرایط  
زندگی و وضعیت توده های زحمتکش میهن  
ما بر سیاستهای مترقی و انقلابی  
ایران و جهان ناشناخته بود، امروز عموماً  
ما هیبت و نتایج این سیاست در داخل و -  
بقیه در صفحه ۲

## اعتراف به ورشکستگی امپریالیسم

امپریالیسم آمریکا و اکثریت ممالک  
در حال توسعه بود. کشورهای در حال توسعه  
در این نشست سیاستهای اقتصادی و مالی  
"صندوق" و "بانک" را به سختی مورد نکوهش  
قرار دادند.

از ۳۰ هکتار میرتا ۲ اکتبر سال -  
واشنگتن میزبان نشست سالانه مشترک  
صندوق بین المللی پول و بانک جهانی  
نوسازی و توسعه بود. از همان آغاز این  
نشست، صحنه، درگیری میان ممالک  
صنعتی سرمایه داری، به سرکردگی -

بقیه در صفحه ۶

## در چهلمین روز شهادت رفیق شهید اسکندر صد هاتن از فرزندان خلق قهرمان لرستان دستگیر شدند

پنجشنبه هفته گذشته، مصافدا -  
چهلمین روز شهادت رفیق شهید، اسکندر  
بود و مردم قهرمان لرستان خود را برای  
هر چه با شکوه تر برگزار کردن این مراسم  
آماده می نمودند. رژیم جنایتکار جمهوری  
اسلامی که مراسم با شکوه تدفین و هفتست  
رفیق را مشاهده کرده بود از شرکت گسترده  
مردم برای مراسم چهلم وحشت داشت و  
در صدد جلوگیری از برگزاری مراسم برآمد.  
رژیم زسحرگاه روز پنجشنبه ۸/۲۱ -  
کلیه روستاهای بخش چفلوندی را توسط  
بقیه در صفحه ۶

### خلقهای قهرمان

### زحمتکشان مبارز

### بپا خیزید

### قانون خود را بنام کنید

در صفحه ۲

### در این شماره

شهادت مه‌ماه ۱۳۶۰

جنبش کارگری

اخبار مدارس

گزارشات روستائی

## وضعیت کنونی و تاکتیکهای ما

(۳) درباره وظائف و تاکتیکهای ما

در صفحه ۷

مرکز بحزب جمهوری اسلامی زنده باد شوهرهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

خلفهای قهرمان وزحمتکشان...

مدتهاست که در میهنمان نمایش خون و حماسه بر صحنه است. رژیم پرده های - قانویت خود را به کناری زده است و - خاکمیت خود را بر اعمال قهرمیان بر سر توده ها استوار کرده است. هر چند که این تنها قانون امپریالیسم است. دیگر حتی قانون اساسی ارتجاعی نیز به سندی - بوج وی ارزش بدل شده است. چرا که - تدوین قانون اساسی در توازن دیگری از نیروهای طبقاتی انجام گرفته و اینک توازن دیگری برقرار است. از اینروست که رژیم لزماً به رعایت قانون ارتجاعی خود نیز نمی بیند. جان و مال و ناموس - توده ها اینک در معرض بورش سگان درنده رژیم قرار دارد. ابتدائی ترین حقوق هر انسان بشکلی و قیحا با همال میگردد. هیچکس در خانه، خیابان، مدرسه، پکارخانه - آدا ره و در هیچ کجا از گزند جلادان یمن نیست و یکتا توری در همه جا جولان میدهد. خانه ها را بهم میریزد، ما شینها را تفتیش میکند، عابری را میکردد، هر عقیده ای اگر به طبع جلدخوش نیاید در پی خود زندان را دارد، و اسارت از بی خودا علم، اینک دیگر هیچکس ایمن نیست. جلاد حتی به نوکران خود نیز مبتازد، حتی اکثریتیان - چا پلوس را نیز از اعدام میکند. توده ایها را اسیر میکند و از دم تیغ میگذراند، مائین اعدام رژیم در پیوستگی نمی پذیرد. جوفه های اعدام بر سینها ملتصین و جاسوسان خائن نیز آنچنان میگردند که بر سینها های ستر قهرمانان رژیم همچنان خون میریزد. اما شما می این اعمال رژیم در عمل به توده ها نشان میدهد که قانون یعنی چه؟ توده ها هر روز، با هر اعدام، با هر بوش با هر سرکوب و کشتار، به پیش در - میا بیند که قانون کا غذا را ای پیش نیست که تنها اعمال سلطه طبقه ای بر طبقه دیگر را رسمیت می بخشد. توده ها در میا بیند که قانون تنها با اتکا به زور، با اتکا به قهر و با تکیه بر نیروهای مسلح است که معنی میا بدوین آن - کا غذا بی ارزشی بیش نیست. هر آنچه امروزه برجا معما میگردد، تنها می این کشتار خونین و این سرکوب و وحشانه قانون است. قانون سرما به داری و ایست، قانون امپریالیسم. شما می این - بی قانونی، قانونی است که سرما به را برپا نگه میدارد و حیات استثمات را نداد و م می بخشد. قانون اعدام، کشتار، تجاوز، شکنجه، قتل کودکان، سوزاندن خودسالان در دین شکم ما در آن، قانون تفتیش عقاید و سانسور، قانون اختناق و سرکوب، - قانون سرما به، قانون امپریالیسم. توده ها پیش از پیش و اینها در عمل در میا بیند تا سلاح در دست پاسداری است که بدست سرما به در آن اجبر شده، تا سلاح در دست ارتشی است که از خلق بیگانه است. تا سلاح در دست ارگانهای است که قدرت سرما به را اعمال میکنند. قانون سرکوب خلق برقرار است. قانون با همال حقوق توده ها برپا است. قانونی که هر - اعتراضی در مقابل استثمات و هر مقابله با غارت را با گلوله و فلنا با داریا میگوید.

توده ها پیش از پیش در میا بیند که قانون واقعی را نه همان شریین، نه وعده و وعیدهای توخالی، نه شریین

زبانهای "رهبران" بلکه زور و سلاح برپا میدارد. با این تجارب روزمره، با این نمونه های متعدد، با بیش از ۳۰۰۰ اعدام شده، با بیش از ۱۸۰۰۰ انقلابی اسیر، آدمی باید کوربا شد تا با زهم دل به قانون و قانویت رژیم خوش کند، با پسند کوربا شد. و با خائن - که با زهم دل به اعلامیه های ۱۵ ماده ای دادستانی سپندد. در پی بندج بدو برای لایحه اراضی شهری کف بزند، با بدخائن باشد - و با کور - که هنوز بدنبال رفم های رژیم با سر و راه بودید، با زهم دل باشد و هم کور که پس از اینهمه اعدام و کشتار و دستگیری انقلابیون و حتی پس از اعدام چا پلوسان و مجبور گویان رژیم و دستگیری مدها تن از خائنین با زهم ملتصا نسبه خواها ن اجرای قانون گردد. اما اینک هر چند خائنین با تمام توان قانویت رژیم را فریب میدهند، توده ها چشم میگردانند و در میا بیند که قانون رژیم، قانون سرما به داری، قانون استثمات رکارگران و غارت خلقها است.

اکنون زمینه آماده است توده ها با گشت و پوشت خود دخلفی بودن قانون رژیم جمهوری اسلامی، قانون سرما به را لمس کرده اند. اینک با بدیه توده ها گفت "بیا خیزید، قانون خود را بنا کنید، با بدیه توده ها گفت "تنها قانونی که بر قدرت لایزال خلق متکی باشد، قانونی که بر قدرت شما است. با بدیه توده ها گفت اینها را بد سلاح در دست شما باشد چرا که تنها قانونی که بر سلاح توده ها متکی باشد، با شدا بر سدار

مناخ خلق است. با بدیه توده ها گفت دشمن مسلح است، و با اتکا به این سلاح است که قانون خوشتان خود را برجا معما استوار گردانیده پس مسلح شویم، دشمن متشکل است پس متشکل شویم. تنها با تشکل و تسلیح است که میتوان - قانون خلق را برپا داشت. با بدیه توده ها مجلس مؤسسان را به میان توده ها بردو با بد گفت تنها مجلس مؤسسانی که - شما بیندگان را ستین خلق که در انتخاباتی آزاد همگانی با رای مخفی برگزیده شده با شند در آن شرکت کنند تا درست قانونی در جهت منافع خلق برپا دارد. و در شرایط کنونی، هراگان دیگر، هنر نیروی دیگر هر وعده و وعید دیگر، هر چند شیرین، فریبی بیش نیست. با بدیه توده ها گفت که مجلس مؤسسانی اینچنین تنها و تنها بر خلقی مسلح متکی است، خلقی که با قهر انقلابی رژیم ارتجاعی را سرنگون سازد، و گرنه هر مجلس دیگر، مجلس خبیرگانی بیش نخواهد بود.

اینک هر گونه تبلیغ رفم، هر گونه دل بستن به اصلاح از "بالا" هر گونه دعوت به تسلیم و سازش تنها و تنها به قانونی - رسمیت می بخشد که بر سر نیزه استثمات رکاران استوار است. پس با بدیه توده ها، سرگ بر سار زشکاران، مرگ بر اصلاح طلبسان، مرگ بر رژیم ضد خلق، زنده باد انقلاب، اینک هراگن که از قانون و قانویت رژیم دم میزند خائن به توده ها است، هراگن که توده ها را به تمکین فرا میخواند. و آنان را از تشکل و تسلیح باز میدارد. و خائن به خلق است. هراگن که میکوشد راهی بجز انقلاب، بجز کسب قهر آمیز قدرت پیش پای توده ها قرار دهد در صف پاسداری رژیم قرار گرفته است. امروز هراگن که بر له انقلاب نیست بر علیه آنست.

بقیه در صفحه ۱۳

ناشیکرهای...

بقیه از صفحه ۱

خارج شناخته شده است. در ادا مه همپن سیاست است که جنگ دولتهای ایران و عراق آغا زنده هزاران تن از توده های مردم میهن ما کشته و زخمی شدند. میلیونها تن در حالی که از هستی و زندگی با قسط شده اند، آواره و در بدربو با لایحه میلیا ردها شروت ملی با بنا بودی کشیده شد و با صرف هزینه های کمر شکن این جنگ گردید. همپن سیاست تجا و زکارانه رژیم با شکل گوناگون در کشورهای دیگر از جمله افغانستان ادا می یافت. دولت ایران با حمایت از مرتجعین افغان که در سرسپردگی آنها به امپریالیسم آمریکا کمترین تردیدی وجود ندارد با کمکهای مالی و تسلیحاتی، حتی آموزش نظامی و ارسال نیروی نظامی به کمک آنها نه تنها دست به تجا و زکار شکار و ادا خله مستقیم در مور خلقها زد، بلکه عملاً بصورت عامل اجرای سیاستهای امپریالیسم آمریکا وارد عمل شد و در - حالیکه مردم زحمتکش میهن ما زیر بار - بحران کنونی هستی و زندگی خود را از دست میدهند، و فقر سرا پای جامعه را فرا گرفته است، میلیا ردها را با لایحه مرتجعین افغان کسب میکنند و هزینه آوارگان افغانی را نیز بدوش مردم میهن ما انداخته است.

رژیم تانکون کوشیده بود تا ما بین سنباستهای ارتجاعی و ما جارجویا نه خود را در زیر پوشش دروغین مبارزه - امپریالیستی پنهان سازد، اما با ارائه این طرح تنها بهمان ترین شکل - سیاست دخالت در امور ملت های دیگر را بنمایش میگذازد، بلکه در همان حال در کنار رژیم مرتجع با کستان ما هیست ادعا های ضد امپریالیستی خود را نیز بر ملامت سازد.

رژیم جمهوری اسلامی در این طرح خود با تفاق شریک با کستان میاش در حقیقت همان طرح امپریالیسم آمریکا را در زمینه کمر بستن سبزارا نه میدهد. از یک سو میکوشد دولت مذهبی را بتوده های مردم افغانستان تحمیل کند و از سوی دیگر نیروهای مسلح کستان فدا امپریالیست را و یک دولت فدا امپریالیست را - قماش همین دولتهای فدا امپریالیست را فامن بقاء آن دولت قرار دهد.

رژیمی که تا کنون مدعی بود علیه همه امپریالیستها و مرتجعین جهان مبارزه میکند، امروز همه پرده ها را کنار میزند و در کتاریکی از مرتجعترین و سرسپرده ترین رژیمهای منطقه یعنی دولت با کستان - طرح امپریالیسم آمریکا را برای حل مسئله افغانستان ارائه میدهد و در اینجا هست که این طرح در عین مسخره بودنش ما هیست رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشاء میکند.



استقلال - کار - مسکن - آزادی

### سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



## جیش گارگری

تهران  
 "پاسداران مزدور" یکا رگران ایران با سا  
 راه گلوله بستند  
 کا رگران کا رخانه ایران با سا ( -  
 تولیدکننده لاستیک و تاپیر) برای اخذ  
 وام زیانکارانه، کارگران به این بانک  
 مراجعه کرده و از شب قبل (۶۰/۸/۲) برای  
 گرفتن شماره (برای قرعه کشی) در صف  
 طولی به انتظار ایستادند، ساعت ۶ صبح  
 در آنرا زدیبا دوتراکم مراجعه کنندگان  
 (حدوداً ۱۰۰۰ نفر) نظم صف بهم میخورد  
 در این هنگام پاسدار مزدوری که با صلاح  
 حفاظت آنجا را بعهده داشت بسوی کارگران  
 آتش می کشاید، در این حادثه سه کارگر  
 مجروح میشوند (یکی از ناحیه سر و تن باز  
 ناحیه ساق پا و کتله ران) حال کارگری  
 که از ناحیه سر مجروح است گلوله قرار  
 گرفته و خیم گزارش شده است. پاسداران  
 مزدور که مورد خشم و نفرت کارگران قرار  
 گرفته بودند فوراً محل را ترک کرده و  
 حفاظت را به شهربانی می سپارند.  
 کا رخانه ساکا

کا رخانه: منابع فلز واقع در جاده کرج  
 تعداد ۱۲۰۰ کارگر (در دو کا رخانه)  
 (وابسته به سازمان گسترش)

در تاریخ ۲۰ مهرماه موقمی که کارگران  
 به کا رخانه میروند (صبح) با لیبستی که  
 به در ورودی نصب شده بود برخورد میکنند.  
 که در آن مدیریت ۱۶ نفر از کارکنان که  
 اکثراً کارگر بوده اند تا بررسی پرونده  
 - ها تعلق نموده و حق ورود به کا رخانه را  
 نداشتند و در بالای اطلاعیه آمده بود که  
 این ۱۶ نفر عوامل قربانی نیستند، بناخیز  
 وابسته به رژیم گذشته و گروهک ها هستند.  
 کارگران وقتی با این مسئله برخورد -  
 میکنند بطور خود بخودی یکی از کارگران  
 که تا مش نیز در لیست نبوده اعتراض  
 میکند و میگوید اگر امروز اینها را اخرج  
 بکنند فردا نوبت خودمان است و نباید  
 بگذاریم اینها اخرج شوند چون اتهامات  
 بی اساس می باشد. بهر حال با یک حرکت  
 خود بخودی جو کا رخانه متشنج میشود و  
 پاسداران آن منطقه به کا رخانه می آیند،  
 ولی با اتحاد همه کارگران که مواجهه  
 میشوند هیچ اقدامی نمیکنند. کارگران  
 مدیریت و انجمن اسلامی را وادار میسند  
 گذاشتن مجمع عمومی میکنند و در مجمع  
 عمومی انجمن اسلامی شدیداً "مورد حمله"  
 کارگران قرار میگیرد. لازم توضیح است  
 که مدیریت منابع فلزی اخیراً (بمسد)  
 از بهر روزی "حزب پر لبرها" از طرف  
 حزب به این پست گمارده شده و قبلاً در  
 جها دکا ر میگردید (در زمان مجمع عمومی  
 دوترا از اعضای انجمن اسلامی شدیداً از  
 طرف کارگران مورد ضرب قرار میگیرند  
 و بقیه هم از جمله قرار گرفته بودند و مدیریت  
 که اوضاع را خوب میبیند بلافاصله عقب  
 نشینی می نماید و میگوید اشتباه شده و با  
 اتحاد کارگران، کارگران اخراجی به کار  
 باز میگردند.  
 قزوین

۶۰/۷/۲۸ - در کا رخانه تیک تاک طرح  
 طبقه بندی جدیدی از طرف اداره کار  
 می آید و مورد مخالفت اکثر کارگران قرار  
 میگیرد و در نتیجه به مورد اعتراض می آید  
 و طرح کارگران مورد مخالفت قرار میگیرد  
 که به اجراء آید.  
 کا رخانه، بونیون - کارگران مبارز  
 کا رخانه، بونیون سودویزه خود را طبق  
 روال گذشته ۴ ماهه ۲۰ روز طبق معا سبه  
 ۶ ماهه دریافت کردند.  
 کا رگران کا رخانه و اشتراکات  
 خواستار افاض شدن حقوق شدند که در ۶  
 ماهه اول افاضه شود. مدیریت کا رخانه  
 ابتدا به بهانه نبودن یکی از مدیران  
 نپذیرفت ولی کارگران کا رخانه با -  
 تهدید به اعتصاب و جلوگیری از خروج -  
 تولیدات کا رخانه، مدیریت را وادار به  
 تسلیم کردند. کارگران متحدانه ۲۵۰ -  
 تومان افاضه حقوق میخواهند و تسلی  
 با لآخره موفق به اخذ ۳۰۰ تومان افاضه  
 حقوق گردیدند. این موفقیت کارگران  
 به دلیل اتحاد یکپارچه آنان و تصمیم  
 قطعی آنان برای رسیدن به موفقیت بود.  
 کا رخانه، فرش پارس - کارگران برای  
 دریافت سودویزه ۶ ماهه و لیه مدیریت  
 مراجعه میکنند ولی مدیریت کا رخانه و شور  
 و انجمن اسلامی (جبهه) ضد انقلابی  
 این پیشنهاد را رد میکنند و بندگان از  
 کارگران اعتراض میکنند که ما احتیاج  
 داریم و طبق قرارداد ما مان هر ماهه  
 با بپردازت شود. که مدیریت و پادای -  
 آن کارگران معترض را تهدید به اخرج  
 و تحویل دادن به سپاه می کنند، کارگران  
 به علت متشنج نبودن موقتاً "عقب  
 می نشینند و فردا آن روز در پشت ما سن  
 نوشته شد" کارگران متحدانه جبهه  
 کارگران متفرق هیچ چه  
 با مدیریت روزی که کارگران برای تحقق  
 خواستهای بزرگتر و خواستهای سیاسی  
 خود متفقاً "این شعار را بدهند.

۶۰/۷/۲۹ - کا رخانه بوش -  
 یکی از کارگران کا رخانه بوش ضمن  
 ترک محل مسکونی خود به مقصد محل کارش  
 توسط دو نفر مسلح غصباً (دربل) (بمسد)  
 (مدل) دستگیر میشود. کارگر مذکور ابتدا  
 مقاومت نموده و سپس شروع به اذیت و فریاد  
 میکند و میگوید: "های مردم من هیچ  
 کارهستم میروم دنبال روزی در آوردن  
 ولی اینها میخوانند مرا بزنند" در این  
 رابطه مردم آن حوالی به کوه ریخته  
 و به سمت کارگران فریاد می آورند.  
 افرادی با شمشیر مردم محنه را ترک  
 و متواری میشوند.  
 ارومیه

۱. اعتراض کارگران شرکت واحد  
 در تاریخ ۶۰/۸/۱ هادی فروری  
 مکتبی شرکت واحد، توبوسرانی -  
 بخشنامه های به کارکنان این شرکت  
 ما در نمود. مطابق این بخشنامه هیچک  
 از کارکنان، حق ندارند مسافرینی را که  
 وسایلی بهمراه داشته باشند، وسوار  
 نمایند.  
 اما کارکنان توبوس واحد بدون -  
 توجه به این بخشنامه به کار خود ادامه  
 میدهند زیرا که معتقدند چنین کاری رور  
 روشی با مردم است که هیچگونه مکنات  
 جهت حمل و نقل وسایل مورد احتیاج خود  
 را ندارند.  
 هدف توجه کارکنان به این بخشنامه  
 سبب گردید که هادی فراین مزدور سپهر  
 رژیم، هادی از کارگران را از کار رسیگار  
 نماید. بدینا ل اخرج عده ای از کارگران  
 شرکت واحد، بقیه کارگران و کارکنان  
 بنیبه در صفحه ۴

۶۰/۷/۱۷ - در کا رخانه ایران دو چرخ  
 سه تن از کارگرانی را که در روز درگیری  
 مسلحانه در تهران به مرخصی رفته بودند  
 با زداشت و به زندان اوین منتقل نمودند  
 این کارگران از محبوسیت نسبی در بیین  
 کارگران برخوردار بودند.  
 ۶۰/۷/۱۷ - در کا رخانه ایران دو چرخ  
 اسامی ۱۰۰ تن از کارگران اخراجی تهیه  
 شده و قرار است در آینده نزدیک آنها را  
 از کار رسیگار کنند. مقاومت متحد و یکپارچه  
 کارگران می تواند مانع از انجام این  
 اقدام رژیم گردد.  
 ۶۰/۷/۱۷ - سپاه پاسداران طی  
 اطلاعیه ای خیلی محرمانه از مدیران  
 کا رخانه جهت خواسته ها کارگرانی را که  
 به مرخصی میروند شدیداً "کنترل نمایند  
 و اگر هر کارگری در روزهای درگیری  
 شهری و تظاهرات اعتراضی توده ها علیه  
 رژیم به مرخصی برود تحت پیگرد قرار گرفته  
 و مدیران موظف به معرفی آنها میباشند.  
 ۶۰/۷/۲۸ - کا رخانه نیتینگ - در  
 روزی که خلغالی برای سخنرانی آمده بود  
 کارگران که میخواستند خطبای بجزای  
 محکوم کردن نیروهای انقلابی میخواهند  
 سخنرانی کنند در سخنرانی شرکت نمیکنند.  
 جاوسان انجمن اسلامی که متوجه این  
 حرکت کارگران میشوند به سپاه اطلاع  
 میدهند که مسبب این مسئله ۴ نفر از  
 کارگران هستند و سپاه میاید و آن چهار -  
 نفر را دستگیر می نماید و بطور وحشیانه ای  
 به سپاه میبردند و فردا آن روز نیز ۶ نفر  
 دیگر از کارگران را دستگیر میکنند که تا  
 تاریخ ۶۰/۸/۱ از وضعیت آنها اطلاعی در  
 دست نیست.



گزارشی از چند روستای منطقه میان دره - بندکرمات شاه

یکی از رفقای هوادار سازمان گزارش از روستاهای منطقه دربندکرمات شاه - پراچین ارباب داشته است. از آن جهت که این گزارش از سویی نشانگر تلاش قابل تقدیر رفیق در انجام وظایف انقلابی است و است و میتوانیم در سرفه برای تمام رفقای هوادار را شادمانی و زوی دیگر خوبی چهره کرده و رژیم ما بهیت فدا خلقی اعمالی را که تحت لوای "تحقق خواستهای روستا ثیان" انجام میشود در بیان میسازد به درج قسمتهاش از آن میپردازیم.

رفیق ما مینویسد: (۱) عملکرد هیئت های هفت نفره در رابطه با مسئله ارضی: هیئت هفت نفره در این منطقه برخی خوانین را که جا نندار رژیم هستند کا ملا زبیر چترما بهت خود گرفته است و حتی یک وجب از زمینهای آنان را ما دره نگرده است. نمونه با رزان در روستای "لعل آباد" است که ۲۰۰ هکتار از کل ۲۲۰ هکتار زمین آن متعلق به "اسکندر ساسانی" است. به افراد کم زمین (که عملاً بی زمین محسوب میشوند) هیچ سهمی تعلق نگرفته است و در عین حال از محصول سال قبل از بعضی روستاها سی درصد ترا دودستی نگذاریم و ربا کرده اند. نمونه آن روستای جعفرآباد است که ۳۰٪ محصول را به احمدیرو مندا ده اند و البته این بنفیر از محصولی است که از ۲۶ هکتار به اصطلاح "دختریش" (سهم دختر) و ۴۰ هکتار سهم زن بیرون برداشته شده است. طریقی که اینک هیئت برای سال آینده در نظر گرفته از هم اکنون عملکردش را روشن نموده است. این طرح به پیش گرفتن قسمت اعظم زمینهای زراعی و سپردن آن به مالکین خواهد بود تا میدان طرح تقسیم "سرانه" زمین را در نظر دارد که به هر سر ۲۰ هکتار زمین تعلق بگیرد. اما ما چگونه که در اطلاعات ارضی شاها نشه ها هدیده ایم از هم پیک مالکین شروع به جمع آوری شناسنامه کرده اند و بدین طریق دارند قسمت اعظم زمینها را از چنگ روستا ثیان بیرون میکنند.

در روستای جعفرآباد ۷۰ هکتار زمین به ۵ سوازل هل بیت احمدیرو مندا تعلق گرفته است که تمامی آنها در آمریکا بسر میبرند و شناسنامه ها به پتان در اینجا است. و در مقابل تنها ۶۶ هکتار زمین به ۱۰ الی ۱۲ "بهور" رسیده است. در روستای "ولسی آباد" از ۱۰۰۰ هکتار زمین ۶۰ هکتار آن به حدوداً ۱۰ خانوار بی زمین رسیده است و ۷۰ هکتار دیگر به سهم بهنام بیرون میسازد و از برزیده است. در روستای "تپه سبز" در حالی که چهار "جفت" زمین متعلق به "علیجان" است تنها یک "جفت" به خوش نشینها و کم زمینها رسیده است. و این در حالی است که موتور آب و باغ علیجان

نیز هنوز در دستش است. در روستاهای دیگر منطقه نیز کمابیش وضع بهمین منوال است. ما لکن که خود در محل هستن، با گردن کلفتی نگذاشته اند که زمین ها پیشان گرفته شود اگر هم زیادی داشته اند به قوم و خویش های خود سپرده اند که بعداً باز پس بگیرند.

۲- وضعیت ذهنی: اگر از نظر طبقه بندی قشر بندی کنیم به وضعیت ذهنی مالکین مرفه و میانه حال چندان کاری ندارد. ریم چون آنها با طریقت طبقه بندی و دلپسنگی شدید به زمین همیشه خواهان امنیت و ثبات در وضع موجودند. تا وقتی شاه بود با او بودند و حالاً هم ترسند با رفتن رژیم کنونی به اصطلاح خودشان "بدترش" سرا ربا پیدا و رژیم حمایت میکنند.

۳- کارگر کشاورزی نیز (علیرغم اینکه آمار دقیقی در دست نیست) کم است زیرا دهقانان خرده پا و میانه حال قسمتی از کار خود را خود بخود انجام داده اند. این میدهند قسمتی از زمینها را به کشتی های کشت و زری که گرا به میکنند و مالکین نیز عمدتاً "بعلت بکارگیری تراکتور و کمپاین کارگر بسپار رکی استخسدام میکنند. پس گزارش عمدتاً شامل وضعیت ذهنی نیمه پرولتاریای روستا و کشاورزان خرده پا میگردد.

الف: نظر آنان نسبت به این سیمون انقلابی: از نیروهای انقلابی تنها فدا ثیان و ما همدین را میشناسند. ما این آشنا شی سطحی است. از مسئله اشعاب سازمان تقریباً "بی اطلاعند. آن نفرت کا ذبی که در اوایل قیام نسبت به سر کمونیستها در باره "مسائلی چون "اتراکی بودن زنان" و... ایجا دنده بودا پیک متوجه رژیم شده است. نسبت به پیشمرگان کرد نظر آنان مساعداست و نسبت به آنان سمپاتی دارند برخی از روستاها از نظر آذوقه و غیره به آنان کمک میکنند. زمینه کلی برای تبلیغات انقلابی مساعداست.

ب: نسبت به پیوزیسون ضد انقلابی: با وجود مسئله فراوان گوش به زنگ اخبار رادیوهای خارجی اند. به دوران شاه هنوز چون خاطرهای خوش میکنند. که این خود با زتبا سیاست های ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و عدم شناخت آنان از آلترا تئوری انقلابی است. اما بهر صورت بر عکس اوایل قیام دیگر سلطنت طلبان را به شکل یک کانون قدرت نمیشناسند و میدی به بازگشت آن ندارند. هنوز رژیم را به برجا میدانند.

ج: نظر آنها نسبت به رژیم و رگانهای آن: بطور کلی از رژیم بیزارند و کا "ملا" از وضع موجود ترا بیزند. این مسئله عمدتاً دلایل اقتصادی دارد. اما در حدی ابتدائی جنبه سیاسی مسئله نیز مطرح است. از اعدای سیاسی و اعمال خشونت ددمنشانه رژیم بیزارند و برای از نزار مینمایند. حرفهای مزخرفی چون "مانه طرفدار رفودا ل هستیم، نه سرما پیدا" و "ما ضد آمریکا هستیم" به گوش آنها نمیرود بطور غریزی حس میکنند که رژیم هم طرفدار سرما پیدا است و هم با آمریکا دست به یکی دارد. بدون هیچ آگاه سازی و افشاکری از سوی نیروهای انقلابی در مورد هیئت های هفت نفره میگویند: "مالک خواه" است و نسبت به آن بدبین هستند. نسبت به سپاه کا "ملا" بد میگویند بخصوص که قاتل معروفی بنام جها نشا ه ساسانی عضو آنست.

د: سطح مبارزات و شیوه های آن: اخیراً "بر سر مسئله زمین" راهای حرکتات تعرضی در اشکال ابتدائی خود نقطه بسته است مثلاً در روستای "جعفرآباد" کشت و زری تهدید کرده اند که اگر پاری مالک به روری

زمین ها بترسد و را میکشیم" و با در روستای "میان کوه" کشت و زری تهدید نموده اند که "اگر زمین ها را از ما پس بگیرند محصول ها را آتش میزنیم" اما "کلا" علیرغم نفرت روستا ثیان از رژیم و ارکانهای سرکوب بعلت نبود رهبری انقلابی و هدایت مبارزات آنان شکل عمده اعتراضات دهقانان را عریضه نویسی تشکیل میدهد. در روستای گزارش رفیق مسائلی و مشکلات روستا ثیان از جمله "گرا نی، نبود مسکن، کمبود ماشین آلات کشت و زری، مسئله آبجاری" رفیق جوانان ده مخصوص در شراب جنتی و... بر سر آمده است و در رابطه با "وظایف ما" مینویسد: "در این مرحله دهقانان به مثابه ذخیره اصلی پرولتاریا محسوب میشوند و در بنمورد ما باید به اصطلاح تکانی بخورد و بهیم و قدری هم خود را معروض دهقانان بنماییم. گوش بزرگ با شیم که مهمترین مسائل آنها را دریا بیاموزد و در انمورد دست به تبلیغ بزنیم. ما باید بنیض منطقه را بدست بگیریم، یعنی مداد مردم چربان زندگی آنان با شیم همیشه بهمان ساسی ترین و حیاتی ترین مسئله آنها چیست و آن را مضمون تبلیغ خود قرار دهیم. از سطح مبارزات آنان آگاه با شیم و بیکوشیم ترا ارتقا دهیم اگر کشت و زری در مقابل حمایت رژیم از مالکین مسئله کشتن مالک را طرح می کنند باید ما به این عمل تعرضی مضمون تشکیل کمیته های روستائی را ببخشیم. بخصوص با بد آخرین امکانات خود را بکار بگیریم تا در شرایط اضطراری چون سیل و زلزله با حضور فعالمان آنان را یاری دهیم. در شرایط کنونی عمده ترین مسئله زمین است باید در انمورد تراکتها شی تهیه نموده بصورت آزماینی بخش کرد و با سنجش بردو تا شیران گامهای بعدی را برداشت.

**جنبش کارگری**  
این شرکت، متحد و یکپارچه در دفتر این شرکت تجمع نموده و خواستار با زکشت کارگران خارجی و معاشیه تلویزیونی شده اند تا از این طریق خواسته های به حق خود را به گوش ماسر هموطنان برسانند.

در مقابل این حرکت اعتراضی کارگران و کارکنان شرکت واحد ها، دیگر کارگران و تهدید به اخراج و تنبیه نمود. اما کارگران همچنان برخوابه های خود پای میفشردند و چون تهدیدهای ضد مردمی هادی فرموده شوا قع نگشت، رژیم از بسا داران سرما به جهت سرکوب و متفرق نمودن کارگران استفاده نمود.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که دیگر قاتل در نیست حتی به کوچکترین خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخگو باشد و از سویی سرنگونی خود را نزدیک می بیند، به آشکارترین شکلی از ارگان های سرکوب خود جهت نابودی انقلاب استفاده مینماید اما دور نیست آن روزی که میلیونها تن از هموطنان ما با اتحاد یکپارچه خود رژیم را به زبانه های تاریخ بسپارند.

محلستان مبارز  
اطلاعی که بدست شما میرسد در مورد رژیم خود را در میان ما رسانید. به خاطر افکار ما در دهان افروزدن شما تهیه گشته و بدست شما میرسد. بعد از خواندن آنها را به دوستان و آشنایان خود بدهید و در صورت امکان آنها را به هر طریق که می تواند فکر و بعضی نامید.

مردم چه میگویند؟  
مردم چه میخواهند؟

جمع آوری نوارهای موسیقی غیر مذهبی از اتوبوسهای مسافری

۶/۷/۶۰ - سپاه پاسداران قم (راه ورود اتوبان تهران - قم) ضمن بازرسی اتوبوسهای مسافری، نوارهای موسیقی غیرمذهبی را از رانندگان میگرفت. از تهران به جنوب میآیم. اتوبوس برای بازرسی میایستد، پاسداری جهت سؤال میکند: نوارها کی که داری چی هستند؟ راننده میگوید: همه شون انقلابی - آند. پاسدار میگوید: ما به همه آنها گوش میدهم (نوارها حدود ۳۰ عدد هستند) و غیرانقلابی اش را ازت میگیریم. در همین حین راننده دوم اتوبوس جلو آمده و میگوید: بعضی از این نوارها انقلابی اند اما ننتی هستند. ضمنا "چرا با بدنوارها را بشما بدم؟" گریکی از ما فرها گفت که من از نوارهای غیرانقلابی استفاده کردم شما حق دارید و نوارها را از من بگیرید. من بهیچوجه نوارها را به شما نمیدم. پاسدار مزبور با شن رفت و مسئولش را خبر کرد. پاسدار مسئول به راننده گفت: برادر! با بدنوارها را بادی، راننده گفت: نمیدم و تو هم به من نگویا در، تو برادر من نیستی، من برادر زورگو نمیخوام. من به برادر در آوردم و نتم ایتم (دوست گردشی را گرفت و به او نشان داد) پاسدار هم گفت:

فقی شکنجه... بقیه از صفحه ۲۰  
را ردیف کرده بودند و از یک یک آنان - میپرسیدند که آیا شما شکنجه شده اید؟ جوانی حدود ۱۳ ساله که علیرغم تهدیدات قبلی بر آن بود که واقعیت را بهم - مبهمانش با زگوید و چهره - بلید جلادان اوین را افتنا نما بدگفت: بله من بسا چشمان خود دیده ام که زندانیان را شکنجه میکنند و شلاق میزنند. سپس از او پرسیدند چکاسنی شکنجه شده اند این نوجوان - مبر زبا سخ دادا سامی شان را نمیدانم و بلانما مله گویند تلویزیون چنین - استدلال کرد که چون آسامی زندانیان را نمیدانند پس شکنجه دروغ است! زهی وقاحت و بیشرمی، اگر گردانندگان برآمه به این جوان زندانی مجال میدادند - این توضیح را میداد که اولاً زندانیان حتی در هنگام شکنجه چشمانشان بسته است و بنا بر این قابل شناسائی نیستند - ثانیاً زندانیان در اوقاتهای جداگانه شکنجه میشوند و فریاد زندانی در زیر زمینهای اوین نیز گواها بر زیر شکنجه

زخم ایران... بقیه از صفحه ۱  
خرید لوازم بهداشتی تسلیحات ارتش و... را نیز بدستبال خواهد داشت چرا که ارتش پاکستان، نیز همچون ارتش ایران از نظر تسلیحاتی وابسته به آمریکا بوده و از آنها که رژیم ایران بدلیل شعارهای ضد امپریالیستی اش قادر به خرید مستقیم از آمریکا نیست به نوکران آمریکا همچون پاکستان روی آورده است. بی جهلست نسبت که برای زمینه سازی های لازم - جهت فتح باب به هم جانه با پاکستان - اخیراً "پاکستان کشوری فدا مهربان نیست

منم برادری مثل تونمی خوام و روبه پاسدار دیگری کرد و گفت بپرش پاسگاه. راننده اعتراض کرد و گفت: چرا زور میگیری؟ - پاسدار مزبور گفت حالاهمیدی زوره؟ - پاسدار نگریده ما شنیدیکه بکنن، اینن ما شنید ۲۰ روز میخوابه، با این سبب مسافر هریک به نحوی اعتراض کردند. یکی گفت: ما از صبح رفتیم توی صف برای بلیط تا بلیط گیرمون اومده چرا بیایم پائین؟ دیگری گفت: من ۳ ماهه تهراتم میخوام ببرم خا نوا ده امرا بیایم چرا بیایم پائین؟ راننده نیز تعدادی از نوارها را گرفت و شروع به خورد کردن آنها کرد و روبه پاسدارها کرد و گفت: خوردشون میکنم ولی به شما نمیدم. خلاصه بعد از - اعتراضات مردم، پاسدارها اجازه دادند که ما شنید حرکت کنند. یکی از مسافران که مره ۳۵ ساله ای بنظر می رسید غرولندکنان فحش میداد و میگفت: بیشترها اینها دیگه نیاندا! راننده دوم که ۴۰ ساله ای بنظر می رسید ولجه کردی داشت گفت: من از امروز دیگه مسلمان نیستم، تا دیروز نماز میخوندم از حالادیکه نماز نمیخونم. اینهایی که شلوغ میکنن چا دارن، من تا حالا فکر میکردم مقوم، مسافر کی جوانی عینکی وریش و سبیل ظریفی داشت و بنظر پاسدار می رسید گفت: آقای راننده مگه تو سببری اینا نماز میخونی، سببری ای خودت نماز چو اینا حق از اینا پشتیبانی میکنی؟ در همین لحظه مرد ریوشتی که کمیته ای بنظر می رسید گفت حالا اینها اینطوری اند ولی اینها کی که توی جبهه کشته میشن چی؟ اینها دارن بخاطر تو کشته میشن، تازه اسلام چکار داره به اینها؟ در همین حین یکی از شاگردهای جوان ۲۲، ۲۳ ساله ای بنظر می رسید با صدای بلند عصی گفت: مگه پاسدارها مظهر اسلام نیستند؟!

های وحشیانه این فرزندان قهرمان خلق است (جوع شونده ها که ۱۲۵ در اوین چه میگذرد!) ما نکته دیگری که در این ممالک چشمگیر بود سؤال ما معاینه کننده از این نوجوان بود که پرسید چرا بقیه زندانیان به وجود شکنجه در زندان گواهی نمی دهند، پاسا سخ دادا سامی چه جوابی است که اینها از بیان شکنجه هائی که حتی خودشان را نیز شامل میشود امتناع میکنند، اما این دلایل برای آنان کی که با زندانیان شامروگارا داشته اند و برای خلق قهرمان ایران که ملا روشن است و از اینکه هرگاه زندانی به بیان شکنجه هایش بپردازد زنده شدیدیترین وجهی شکنجه خواهد شد، سال ۵۰ هشتاد میکه حقوقدانان بین المللی برای شرکت در محاکمات ۲۲ تن از رفقای ما به تهران آمدند. رفیق مسعودی حدزاده در دادگاه لیباهایش را بدرد آورد و جای سوختگیها بر سرش و پشتش و آثار سرشکنجه ها را نشان داد. مزدوران رژیم او جمله حسینی جلال (که اینک لاجوردی نقش او را ایفا میکند)

از سوی ایران قلمداد شده است. بطوریکه ایران در پیشنها داخیر خود مبنی بر ارائه طرح با صحرای حبل مستقیمه افغانستان، متذکر میشود که هیئت ناظر صلح از پاکستان و ایران و یک کشور فدا مهربان نیست دیگر انتخاب شود. ولتا پاکستان را در ردیف کشورهای فدا مهربانیت نامیده است.  
اما مردم ایران فریب این نیرنگهای رژیم را نخواهند خورد. مردم ایران بهمان اندازه که آمریکا را دشمن واقعی خود میدانند، رژیم پاکستان را نیز که عاصیل آمریکا در منطقه است دشمن می شناسند و

۶۰/۷/۲۸ - امروز صبح توی نواشی منتظر بودم، با زرس کنترل اوراق عمومی را نوا بحث داشت که چرا نان ۲۵ ریالی را ۴۰ ریال فروخته ای؟ و بعد از رسیدگی سطحی بدون جریمه بیرون رفت. تا نسوا دیگر سردردش با زرد که گذرد ۷۵ تومان میخریدیم (هرگونی) تا ۱۱۵۵ تومان میخریم وقتی اعتراض کردیم گفتند ۵۰ گرم از خمیر نان کمتر کنیدی ولی به قیمت سابق به مردم بفروشید که سروصدا نکنند چون مردم ۵۰ گرم اختلاف وزن را متوجه نمی شوند. اصلا بن جمهوری سلامی هیچ کاری برای ما نکرده تا زده مدتها رتومان چکا از ما گرفته که در صورت تخلف از آن - بردارد و بی بها نه میگرد که از آن - مبلغ بردارد. فکر نمیکنند که اگر به من اجاف کنند من هم بن مبلغ را از گردنه مردم بدبخت که تا میخورند میبکشم و تلافی اش را با آنها در میآورم. هر کسی ظلم تا به من بدبخت کارگر میبکشم، بگردا گردا است میگویند، گوشت کیلو بی صد تومان را از زنان فتنه گفت: نه با اینها نمیدانم چرا هیچ فکرمیکنند که من تا نوا پنجاه سال است پشت پا روهستم چرا سر پیروی ننشسته ام توی خانه چون تا من نیستم. برای روزی صد تومان - اینجا مجبورم بقیام کارکنم. اصلا این جمهوری اسلامی فقط حمل های خنک مثل مرالازم را ردوا لاهمه ها نشنیده و با سوادها را اعدا می کند. من سواد ندارم ولی همه اینها را شنیده ام، بدیشبان جوان را پشت تلویزیون دیدین که به خاطر هیچ وپوچ میخواستند اعدا می کنند حتی نمی توانست حرف بزند. گفتیم: من نمیدانم چرا مردم حرف نمی زنند؟ شاگردش جوان ۲۲ ساله ای جواب داد که هر چی بشه؟ - میبرند اعدا می کنند بهر من اعتراض علیه جمهوری اسلامی، و لاهمه تا راضی اند.

پس از آن وقت جلسه دادگاه ۲۴ ساعت مداوم و تا شکنجه کردند و سپس به جوغه اعدا می بردند. حال در رژیم که گوی سبقت را از جلادان شاه ربهوده است، رژیم که اساساً "احتیاجی به مدرک برای اعدام نداشتند" زندانیان به بشمار می راد رزیر - شکنجه شهید کرده است (نمونه های متعددی با اسم زندانی تا کنون در کار ردرج شده است و بجهت دلیل از ورود هیئت های بین المللی به زندانها جلوگیری میکند. پس زندانی ای که به شکنجه اعتراف میکند چه خواهد آورد بهیچ در شان بیگانه هرگونه رتباطی با خانواده زندانیان که ملا "قطع روابطی برای انتشار اخبار در درون زندانها وجود ندارد، طبیعتاً است که زندانیان از بیان شکنجه ها خودداری کنند. اما هنگامیکه خلق با نیروی لایزال خود در برابر سها لهای اوین و سایر زندانها را بگشا بدو فرزندان مبارزش را آزاد سازد. آنگاه است که مشخص خواهد شد چه جانی با تی در این زندانها بوقوع پیوسته است.

هرگونه رابطه ای با این رژیم مزدور را دشمنی با خلقهای ایران قلمداد می کنند.

**کارگران انقلابی و زحمتکش!**

بسم الله الرحمن الرحیم  
مردم ایران! ما به شما عرض می کنیم که در این روزها و این شرایط، شما باید با تمام توان خود در کنار کارگران و سربازان مبارز ایستادگی کنید و با تمام قوا علیه رژیم فاسق و خونخوار مبارزه کنید. ما را در این راه یاری کنید تا بتوانیم با هم دشمنان را شکست دهیم.

کمیته مرکزی  
۱۳۶۰

اعتراف به... بقیه از صفحه ۱

سیاست های این دو نهاد که به قول مجله "تا نیم" تحت سلطه ایالات متحده و ما بر ما لگ صنعتی (سرما به داری) است موجب آن شده که "فصله بین ما لگ فقیر و غنی که همواره وسیع بوده طی دهه گذشته بیشتر شود. مثلا" ما لگ صنعتی فقط یک پنجم جمعیت جهان را دارند، اما ۷۹٪ از درآمد جهان را در اختیار خود دارند. (مجله تا نیم ۲۰ نوامبر ۱۹۸۸)

سیاست های این نهادها تا شده موجب آن شده که وضع پولی کشورهای در حال توسعه بیشتر به و خا مت گراید. بویژه - بحران تجارت سرما به داری جهانی که بر اثر حمایت امپریالیست ها از معدودیت های با زرگانی به سود امپریالیست ها تشدید شده است و ترخهای گزاف بهره بر اوضاع اقتصادی ما لگ به اطلاع در حال توسعه تا شیری و پیرا نگردانده است.

کسری ترا زپرداختهای ارزی ما لگ "در حال توسعه" (بجز ما لگ ما درکننده نفت) از ۳۷ میلیارد دلار در ۱۹۷۸ به ۸۴ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ رسیده است و برآورد های ابتدا شیشا ن صدده که در سال جاری به ۱۶۰ میلیارد دلار میرسد. از این رو سود که ما لگ "در حال توسعه" برای مقابله با این بحران خواستار آن شدند کسبه صندوق بین المللی پول میزان انتشار "حق برداشت ویژه (SDR) - پولی که موجب "توسط صندوق بین المللی پول" ایجاد میشود - به مقدار ۱۰۰ میلیارد SDR افزایش یابد، برای ای که رقم کنونی مربوط به سه سال اخیر حدود ۲ میلیارد بوده است.

این تقاضا ها به هیچ وجه تا زه نیست. حدود ۲۰ سال است که ما لگ فقیر - خواستار افزایش کمک مالی بوده اند، لیکن امپریالیست ها بویژه آمریکا با استفاده از حق وتو خود در این دو نهاد مانع از برآورد شدن این خواستها شده اند. لیکن طبق قرارهای صندوق بین المللی پول، برعکس، طرز توزیع SDR متناسب با سهم هر یک از ۱۴۰ کشور

عضو صندوق است (تذکرده هم که کشورهای شورای همبازی سوسیالیستی - کومکون - عضو این صندوق نیستند) و همین شیوه توزیع منابع و امکانات مالی جهان است که تا برابری ما لگ در حال توسعه و انبساط به ما لگ بزرگ سرما به داری افزایش میدهد. قسمت اعظم اعتبارات صندوق مذکور نصیب خود ایالات متحده میشود بطوری که در سالهای انتشار حق برداشت ویژه، در پی فنی ایالات متحده تقریبا "سرابریا دریا فنی کل حدود ۱۰۹ کشور بوده است. بدین مناسبت است که ما لگ عضو صندوق و بانک جهانی خواستار تجدید نظر در منشور صندوق و وضع منابع اعتباری متناسب با نیازهای ما لگ خواهان کمک (برخلاف روش جاری که متناسب با سهم آنان در صندوق است) شده اند.

در اجلاس اخیر، ما لگ "در حال توسعه" خواستار شرایط ساده تری برای تامین اعتبار روکاش ترخ بهره و اما شاندند، این ما لگ حتی تهدید کردند که در صورتی که شرایط و اما ش تغییر نکنند، از صندوق کناره گیری خواهند کرد.

لیکن تمامی این خواستها چنان که انتظار میرفت با مقاومت شدید دول - امپریالیستی مواجه شد. دولت ایالات - متحده در شرایطی نیست که بتواند اینگونه خواستها را اجابت کند برعکس با افزایش و اما و اعتبارات برای ما لگ در حال توسعه مخالفت میورزد و خواستار سخت تر شدن شرایط و شرایط دریا فنی و اما است. بدین گونه سعی دارد و اما خواهان را به سوی بخش خصوصی و بانکهای خصوصی سوق دهد.

رونا لدریگان طی نطقی خطاب به نشست مذکور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اعلام کردند که حکومت آمریکا نمیتواند به ما لگ تحت تسلط و سرکشی دهد، زیرا با مشکلات اقتصادی در داخل کشور روبروست، ریگان گفت موضع آمریکا اینست که کمک دولت به ما لگ فقیر به علت محدودیت بودجه داخلی با بد محدود شود. (وا شنگتن پست

۲۹ دسامبر ۱۹۸۸) این سخنان ادعای مریح به و شنگنی امپریالیسم است. در حالی که مفسران - اقتضای امپریالیسم میگویند افزایش و اما و اعتبارات اعطای توسط نهادهای مذکور موجب افزایش تورم میشود، مفسران اشاره غیر مستقیم به رکود اقتضای عظیمی است که در امپریالیست های امپریالیستی بوده است، ریگان در نطق خویش خواستار آن شده که ارزش پول جاری کشورها "در حال توسعه" کاهش یابد، بودجه تقاضا یابد، نرخ بهره با لارود و اما نسه دولتی (سوپساید) برای کالاهای ضروری قطع شود، در واقع توصیه کرد که دولت های ما لگ فقیر که شدت از بحران اقتصادی امپریالیستی آسیب دیده اند، بر بیگاری و کرسنگی دا من بزنند.

با بدیا د و شد که برده داران دو نهاد مذکور همواره در مقابل ما لگ خواست ما لگ فقیر برای افزایش اعتبارات متوسل به همین بهانه شده اند که با افزایش اعتبارات تورم فزونی میگیرد، لیکن آگاهان جهان اقتصاد می دانند که این مقایسه و مت هرگز در مواجه با رشد قیمت ها در تجارت بین - المللی، اثری نداشته است.

اما نکته جالب تری و ششمین نشست "صندوق" و "بانک" این است که امپریالیست ها معمولاً در برابر درخواست های ما لگ تحت تسلط می گفتند که "این ما لگ با بد خودشان به خودشان کمک کنند"، چرا ما جور آنها را بکشیم" اما اکنون که جنبشی سوسیال دمکرات های اروپائی (نظیر بیرونوگراسکی، میتران، و پللی برانت و دیگران) نیز متفقدند که افزایش اعتبارات به خود ما لگ سرما به داری

کمک میکنند تا از بحران خلاص شوند (از مقدمه ویلی برا نت برگزارش کنفرانس شمال - جنوب - چاپ گالیما پاریس ۱۹۸۰) امپریالیست های بزرگتر اعتراض میکنند که خود امپریالیسمها "مشکلات اقتصادی عظیمی روبروست و در نتیجه نمیتوانند" تقویمات افزایش اعتبارات (مطالعه الکساندر هیک) ما لگ تحت سلطه را بر آورند.

در چه همین روز... بقیه از صفحه ۱

مزدوران معاصره کرد و یک اکیب متشکل از ۱۵۰ - ۲۰۰ نفر با سوار، پروتستانی زادگاه رفیق را محاصره کردند، با ساداران به خانه رفیق حمله ور شدند و خانه های دیگر روستا شیان را در جستجوی اسلحه با زرسی میگرداند. مزدوران محل قفسر رفیق را از روستا شیان شوال میگرداند و حتی از چند بچه خواسته بودند تا درازای دریا فنی پول محل دقیق قبر را بگویند. ولی همه برای سی اطلاعاتی میگرداند. پس از با زرسی از خانه رفیق کلیه جوانان را دستگیر کردند. بر خورد قهرمانان زنی که در آن لحظه در خانه بودند و بخصی بر خورد جسورانه، ما در رفیق در مقابل ما با ساداران تحسین برانگیز بود. صدا یه لوتیک و اما در رفیق در لحظه ای که با ساداران سلاحها نشان را سوی او نشان گرفته بودند و فرمان آتش میدادند فرمانش را گوش ندادند. او با زرسی لکی خطاب به با ساداران سرمانه فریاد میداد: با با بد ما را هم ببرید و ما سن نمی گذارم جوانان ما را دستگیر کنید ما را از مرگ نترسید.

با ساداران پس از دستگیری این جوانان روستا را ترک کرده و ما ز روستا های دیگر منتقل شدند. از سوی دیگر از زمان صبحگاه پنجشنبه کلیه جاده های را که به روستای گزرگل

ختم می شد، از جاده های بر وجود و خرم آباد گرفته تا کلیه روستا های بخش چفلوندی و سا پروستا ها را بسته بودند به هیچ کس اجازه عبور میرو نمی دادند، تنها ۲۰ - ۳۰ مینی بوس که حامل خلق قهرمان لر بود و از خرم آباد دعا زم روستا جهت شرکت در مراسم بودند متوقف و پاسپورهای از ششگان آنها دستگیر نمودند و تا پاسپورهای کلی را که مردم تهیه کرده بودند در جاده ها کردند. عین همین حرکت برای مردم بروج سرد و روستا های اطراف آن که ما در منطقه بودند تکرار شد. علاوه بر همه اینها، در قبرستانی که رفیق در آن دفن بود سه با سادار مسلح گماشته بودند تا مانع کوچکترین تجمع گردند. در این تنها جم گسترده مدتها تن از اقوام آشنا یان و دوستداران رفیق کبیرمان دستگیر شدند. تعداد دستگیر شدگان به عیان - نشانگرا استقبال پر شور مردم برای شرکت در مراسم و تلاش دیوانه و روزیم برای جلوگیری از آن بوده و همچنین به تکرار وحشت رژیم از برگزاری این مراسم بود. مراسم چهلمین روز شهادت رفیق گزر چه برگزار شدند. اما بورش گسترده و وحشیانه رژیم موجب گردید که برخی بودن را - بر افتخار رفیق برای بخشهای وسیعتری از خلق مسلم گردید و با رفیق و سا لست ادامه راهش را در دل خلقها و بخصی و خلق رحمتکش ترشعله ورتر کرد.

با دش گرامی باد

ما از تبریز دور سرما به تری نداریم ما مثل آفتاب روشن هدفی داریم هدف ما نه از برای ربا و مقام است حرف ما آزادی رحمتگشا است ما با بد هاران اسکندر "سیا مک" را فدا کنیم

تا نقشه سوسیالیسم را بنا کنیم خرم آباد: از یک کارگرنما، به مناسبت شهادت فدائی کبیر رفیق سیا مک اسدیان "اسکندر"

زندانی سیاسی آزاد باید کرد  
شکستخواه خائنانه ناپدید کرد  
با این رژیم میسر می شود آزادی و برابری را برای همه انسانها فراهم کند. ما را از زندان آزاد کند. ما را از شکنجه و آزار و اذیت آزاد کند. ما را از فقر و محرومیت آزاد کند. ما را از ناامنی و ترس آزاد کند. ما را از بیماری و ناتوانی آزاد کند. ما را از گرسنگی و تشنگی آزاد کند. ما را از بیگاری و استثمار آزاد کند. ما را از بیگانه گری و تنهایی آزاد کند. ما را از بیگانه گری و تنهایی آزاد کند. ما را از بیگانه گری و تنهایی آزاد کند.

### وضعیت کنونی و ...

ما در نخستین بخش این مقاله اوضاع عمومی سیاسی جا مه پس از قیام مونیروز و وضعیت لحظه کنونی جنبش را مورد بررسی قرار دادیم. در بخش دوم این مقاله درباره عملت تعرضی تا کتیکهای پرولتری سخن گفتیم. در بخش سوم این مقاله به اساسی ترین وظایف و تا کتیکهای نیروهای انقلابی میپردازیم.

ما تا کنون مکرر در نوشته های خود به واقعیت تردیدنا پذیر خودویژگی جا مه ما در دوران پس از قیام که محصول نیمه کاره بودن انقلاب و عدم شکست قطعی آن بوده است، یعنی گشاکش انقلاب و ضد انقلاب اشاره کرده ایم. تا کید بیش از حد با بر این خودویژگی و بویژه از زاویه درک درست وظایف و تا کتیکهای نیروهای انقلابی بوده است. این خودویژگی که محصول نوعی توازن نیروهای انقلاب و ضد انقلاب بوده است، و نمیتواند بسیاری مدتی طولانی یا پدیداریماندا زمان فردای قیام و وظیفه قطعیت بخشیدن به نتیجه نهایی انقلاب را در دستور کار رهروان نیروی انقلاب و ضد انقلاب قرار داده است. هماکنون که ضد انقلاب اساسی ترین وظیفه خود را شکست قطعی انقلاب قرار داده است، اساسی ترین وظیفه نیروهای انقلابی نیز تکمیل انقلاب بوده است. از این رو اهم وظایف و تا کتیکهای ما میباشند: خدمت تحقق این وظیفه با شادودر پیچیده ترین شرایط سیاسی که از یک سو توده های مردم خواهان حفظ دست آوردهای انقلابی خود و تداوم انقلاب با تغییرات هرچه اساسی تر بودند و از سوی دیگر اکثریت آنها به حاکمیت اعتمادی نا آگاهانه نداشتند، با اتخاذ تا کتیکهای مناسب مداد جهت برهم زدن توازن نیروها و بنفع انقلاب و علیه ضد انقلاب بکوشیم و تا کتیکهای یک تیرد قطعی آماده سازیم. طبیعی است که در انجام نخستین وظیفه میباشند و این واقعیت متناقض و پیچیده را درک میگردیم که توده های مردم در همان حال که خواهان تداوم انقلاب و تغییرات هرچه زودتر نبودند، به حاکمیت جدید توده ها داشتند، و بنا بر این در پی سرنگونی فوری آن نبودند، اما ما از این واقعیت که اکثریت توده ها نسبت به حاکمیت متوهمانده انقلاب نمیگرفتیم که پس فاش شدن انقلاب خواهد شد، استودیکر وظیفه ای بنا و وظیفه تکمیل انقلاب وجود ندارد، پس تا کتیکها و شعارهای ما باید منطبق بر شرایط شکست انقلاب باشد. خیرا ما با درک تفاطمیان در جنبه نتایج انقلاب، اجتناب نا پذیری درگیریهایی شدیدی با در نظر گرفتن پتانسیل بسیار قوی انقلابی توده ها، و شما بل مفرط آنها با انجام شما نشان به اتخاذ تا کتیکهای شما برداختیم که بدون آنکه مستقیما شما سرنگونی حاکمیت را طرح کنیم، توده ها را به رودروری مستقیم با حاکمیت و حتی نبرد مسلحانه با آن میکشاندیم و در همان حال که مبرورانه علیه آن تبلیغ میکردیم، بی امان آنرا در میان توده ها افشا میکردیم، و توهمات توده ها را نسبت به آن درهم می شکستیم. فی المثل ما با طرح این شعار که زمین زان کسان نیست که روی آن کار میکنند! زده قانان میخواستیم که زمین را ما دره کنند و شورا تشکیل دهند اما در همان حال به خوبی واقف بودیم که در این نقطه ضد انقلاب به رودروری مستقیم با دهقانان کشیده خواهد شد.

هنگامیکه حکومت مانع از ابتکار انقلابی دهقانان می شد، و حتی بقهر علیه آنها متوسل می شد، از دهقانان میخواستیم که مسلحانه از دست آوردهای انقلابی خود دفاع کنند. ما بدون آنکه مستقیما به حاکمیت حمله کنیم، از خلفای تحت ستم میخواستیم که در راه تحقق خواسته های برحقشان مبارزه کنند، با آنها می گفتیم اکنون که انقلاب شده است، با بدحسب تعیین سرنوشت خلقها بعنوان حق مسلم شما برسمیت شناخته شود و هنگامیکه حاکمیت در برابر این خواسته های برحق خلقها قرار میگیرد و حتی بقهر ضد انقلابی علیه آنها متوسل می شد، از آنها میخواستیم که بقهر انقلابی علیه حکومت متوسل شوند و خودمان نیز دوشا دوش آنها مبارزه میگردیم. ما بکارگران می گفتیم اکنون که انقلاب کرده ایم، سرما به داران با بد کورشان را گم کنند. آنها را بکارخانه راه ندهید، شورا تشکیل دهید و کنترل را بر عهده گیرید و هنگامیکه انقلاب در جهت تحقق این خواسته های برحق خود گام برمیداشتند، حکومت بمقا بله با آنها بر میخواست، و بسرعت توهم و اعتقاد کارگران نسبت به حکومت درهم میشکست. بنا بر این با اتخاذ این تا کتیکهای مناسب و درک شرایطی که اتخاذ این تا کتیکها را امکان پذیر میسازد، ما کوشیدیم که مدام توازن قوا را بنفع انقلاب بر هم زیم، انقلابی را که در نیمه راه متوقف شده به پیش رانیم و حتی توده ها را به دفاع مسلحانه از دست آوردهای انقلاب و تداوم آن دعوت کنیم و توهم توده ها را نسبت به حکومت درهم شکنیم. این همان تا کتیک افشای مبرورانه حاکمیت است، که تا مدتها محور تا کتیکهای ما را تشکیل میداد. ویژگی این تا کتیک در آنست که علیرغم غلط تعرضی خود، به خاطر توهم توده ها نسبت به حکومت مستقیما سرنگونی آنرا طرح نمی کند. اما این تنها یک وظیفه ما بوده است. وظیفه دیگری که از درک این خودویژگی ناشی می شود، آماده گی برای تیرد قطعی یعنی تدارک قیام بوده است. ما در نوشته های که تا کنون به مسئله تا کتیکها اختصاص یافته است بویژه در مقالات "زیا بی انقلاب ایران" و خودویژگی شرایط کنونی و "سازمان فدائی جوخه های رزمی و ...". ضمن تا کید بر این مسئله که بسیج سیاسی توده ها و سازماندهی مبارزات و اعتراضات آنها عمده ترین وظیفه نیروهای انقلابی در خدمت آزادی و تکمیل انقلاب می باشد، ضمن اشاره به این مسئله که انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده است، شکل انقلابی جنبش از میان نرفته است و با تحلیل گرایش عمومی وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه در دوران انقلابی، خلعت و مضمون انقلابی بحران، و احتمال وقوع یک قیام مجدد، با این وظیفه بسیار مهم اشاره کردیم که تدارک قیام منته بصورت امری کلی، فی المثل گردآوری یک ارتش سیاسی در دوران رکود و مسالمت بلکه بصورت امری عاجل و فوری یعنی علاوه بر تدارک سیاسی، تدارک نظامی برای قیام، در دستور کار نیروهای انقلابی قرار دارد. ما در نوشته "سازمان فدائی جوخه های رزمی و ..." با اشاره به شیوه برخورد لنین نسبت با این مسئله گفتیم: "او (یعنی لنین) تا زمانیکه معتقد بود یک دورانی انقلابی وجود دارد، تا زمانیکه معتقد شده بود، انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است و ما دام که اشکال عالی تر مبارزه انقلابی را اجتناب نا پذیر با بهره جالی محتمل ترین آن میدادیم و احتمال وقوع یک قیام

مجدد وجود داشت، از تدارک قیام، سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی سخن میگفت "اما گویا این وظیفه بعد از دنیا له روان جنبش خود بخودی یعنی کسانیکه همیشه شما را تا کتیکهای شما "لنگ لنگان در پس رویدادها" سپر می کند و پس از بر وزهر حادته با رویدادها منطبق میگردد و بقول لنین "جنبش استدلالت می کنند، هنگامیکه یک دوام وجود دارد، ما از دوام حمایت خواهم کرد، هنگامیکه اعتبار و قیام وجود دارد، ما از اعتبار و قیام حمایت خواهم کرد، اما تا پای تدارک و دوام در دستند معین کنند که آیا این با آن شکل جنبش اجتناب نا پذیر است (گزارشی درباره کنگره وحدت حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه) خوشنیا مده است و راه کارگر بعنوان سردسته بین دنیا له روان جنبش خود بخودی، هر اسان فریبنا بر می آورد که تدارک قیام یعنی چه؟ کجاست قیام که ما برای آن تدارک می بینیم؟ املا "جوخه های رزمی یعنی چه؟!! البته ذهن گرا شیت، سکتا ریس است!! البته رفقای کارگر در همان حال که با آب و تاب این جملات را تکرار می کنند با لاشهره بخواننده توضیح نمی دهند و از پاسخ مشخص با این مسئله طفره می روند که "ولا" اساسی ترین وظیفه ما در دوران پس از قیام چه شرایطی مجاز است، با این وجود ما لازم میدانیم که علیرغم اشاراتی که تا کنون با این مسئله داشته ایم، تمام جنبه های این مسئله را روشن کنیم و بر فضای راه کارگر نشان دهیم که چگونه یکی از وظایف اصلی ما در دوران پس از قیام تدارک برای یک قیام مجدد بوده است.

تدارک قیام یعنی چه و در چه شرایطی باید برای یک قیام تدارک دید؟

هنگامیکه جنبش توده ای دوران رکود و مسالمت را پشت سر میگذارد و در دوران انقلابی می گردد، هنگامیکه عمده بودن شکل قانونی جنبش از میان می رود و شکل انقلابی جنبش عمده میگردد، هنگامیکه یک بحران انقلابی با معه را فرا میگیرد و چشم انداز اشکال عالی تر مبارزه اجتناب نا پذیر با بقول لنین محتمل ترین آنست، هنگامیکه انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده و احتمال وقوع یک قیام مجدد وجود دارد، تدارک قیام بصورت امری ضروری و فوری در دستور کار سازمانهای انقلابی قرار میگیرد و علاوه بر تدارک سیاسی عمومی برای قیام، باید تدارک نظامی قیام نیز برداخت. کسی که حقیقتا "بقیام ما وارد شده باشد و نخواهد با قیام مبارزه کند صرفا با کلمات بازی نکند، باید بدینحوی همه جا نیه از جنبه سیاسی و نظامی برای یک قیام تدارک ببیند، تا بتواند تدارک قیام سازماندهی کند. اما متأسفانه در جنبش ما کم هستند کسانیکه بقیام ایمان داشته و از جنبه های مختلف در راه تدارک آن بکوشند. اشاره مشخصی در این مورد به رفقای راه کارگراست که علیرغم سینه ای که بر اعراض انقلاب چاک می دهند، از عتلا انقلابی دم میزنند، شعارهای انقلابی بلوا سطر را بر میان مردم میبرند، و از سازمان و بحرانی بودن شرایط و ضرورت هر چه فوری تدارک قیام با دمکراتهای انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت سخن میگویند، اما در عمل حتی یک گام عملی و جزئی در جهت آنچه که بقیه در صفحه ۸

وضعیت کنونی و...

بقیه از صفحه ۷

میگویند برنمیآید رند. و بقیا منیرا عقایدی نداشتند. آنها در مورد هر آنچه که نشاندهنده احتمال وقوع یک قیام است سخن - میگویند، اما ما با تعجب و حیرت از مناسبت میپرستند تا رگ قیام یعنی چه؟ مگر ما در "آشنای قیام" قرار گرفته ایم؟ ایمن است نمونه تبیین افرادی که میان حرفشان و عملشان فرسنگها فاصله است و بقول لنین عملاً هیچگونه اعتقادی به قیام ندارند، زیرا وقتیکه تدارک قیام نفی شود، آنگاه هرگونه صحبت دربار "اعتلا انقلابی" و غیره ذالک جز حرف رفتن است از یکدیگر نخواهد بود. رفقای راهکار یکدیگر در مقام "جوخه‌های رزمی" انقلابی سکتا ریسیم و الگو برداری مطلق به تنهایی اعتقادی شان را به حرفهای که میزنند برپا نکرده اند، بلکه در همان حال کوشیده اند، با آراشیک دید انحرافی و وظایف ویژه نیروهای انقلابی را در هر مرحله تکامل جنبش مخدوش کنند.

رفقای راهکار رگرمعتقدند که تنها در یک موقعیت انقلابی با بدبتدارک قیام برداخت، اشتباه اساسی این رفقا از آنجا منشا میگیرد که اولاً تصور می‌کنند، دوران انقلابی همان موقعیت انقلابی است و ثانیاً "لحظه مناسب برای قیام" و لحظه ضروری برای تدارک قیام را یکی می‌گیرند. در حالیکه در یک دوران انقلابی تا قبل با بدو مرحله را از یکدیگر کاملاً تفکیک نمود. هنگامیکه هنوز یک اعتلا محدود وجود دارد و بجز آن سیاسی بطور کامل نرسیده است، و هنگامیکه یک اعتلا سراسری و پیرا منه فرا میرسد و بجز آن بنهائیت رسیدگی خود می‌رسد یعنی به موقعیت انقلابی تبدیل میشود. در حالیکه در مرحله اول وظیفه پیش آهنگ است که با درک دورانی که آغاز شده، خصلت انقلابی بحران، چشم انداز اشکال غالبتر میآید - زده شده است و احتمال وقوع یک قیام مبتداری قیام پیرا زده و پیرا منه با گسترده تر شدن اعتلا این تدارک را تشدید کند. در مرحله دوم یعنی هنگامیکه موقعیت انقلابی فرا میرسد، در پی یافتن لحظه مناسب آغاز قیام باشد. و ما در نقل قولی که در بخش دوم این مقاله از لنین آورده ایم نشان دادیم که چگونه هنگامیکه می‌گویند پرولتاریا با بدبتدارک در لحظه آغاز کند حکومت دردشوارترین وضعیت و نا رضایتی توده‌ها در نهایت خودبا شد، موقعیت انقلابی را با لحظه قیام مهبوتند میزند و مرتبط میدانند.

حال اگر در این مسئله تردیدی نیست که پیش آهنگ با بدبتدارک یک موقعیت انقلابی فرا میرسد، از هر جهت آماده و مترصد لحظه مناسب برای آغاز قیام باشد، پس تدارک - کاملاً سیاسی و نظای قیام پیش از آغاز آن امری مسلم است. و این تدارک نمی‌تواند در یک دوران رکود سیاسی و یا در لحظه آغاز قیام، آغاز زگرده بلکه با فرا رسیدن یک دوران انقلابی آغاز می‌گردد. ما از آنجا که کاملاً مطمئنیم از راه رفقایی راهکار رگرسا دگی حاضر نمی‌شوند به اشتباهات خود اعتقاد کنند و نظرات انحرافی خود را بدو بریزند، زیرا این امر در صورت راهکار رگرسا دگی تدارک، بنابر این با زهم مجبوریم که با ذکر مثالهای ساده و توسل به تجربیات انقلاب خودمان این مسئله را به روشنی راهکار رگرسا دگی که تدارک قیام یک چیز است و لحظه آغاز قیام چیز دیگر، می‌داند که تدارک قیام بمعنای اخص

کلمه یک حیطه وسیع وظایف سیاسی - نظامی را از تدارک سیاسی نیروهای انقلاب و تدارک فوری با دمکراتهای - انقلابی تا تدارک نظامی برای قیام را در بر میگیرد و آنچه که مورد اعتراض راهکار زگر است یعنی سازماندهی جوخه - های رزمی تنها یک جزء تدارک نظامی قیام محسوب میشود. بعبارت دیگر کسی که "حقیقتاً" نخواهد با قیام مبارز کند باید "علاوه بر تدارک سیاسی عمومی قیام" بغوریت وارد یک اتحاد رزمی با همسایه نیروهای انقلابی از جمله دمکراتهای - انقلابی باشد، یعنی یک جبهه برای - سرنگونی حکومت تشکیل دهد. بخشهایی از نیروهای مسلح رژیم را تدارک قیام کند، فعلاً لیت خود را در میان آنها بدهد و صدبرابر افزایش دهد، تدارک مالی بپسند و چون این تدارک صرفاً "از طریق حقیق و غیبت و کمکهای مالی تا مینمیشود، - آغاز به ما در مالی کلان بپسند. از صندوقهای دولتی نظیر بانکها بزند. همچنین بمنظور آماده کردن سلاح برای لحظه آغاز قیام، تدارک سلاح بپسند. و دست به ما در تسلیحات بزند. مسلح کردن - مردم را آغاز کند. طرح نقشه‌های نظامی را آماده کند، آموزش نظامی رهبران - جنبش توده‌ای و آماده کردن آنها را - برای لحظه قیام آغاز کند. چون بسیاری از وظایف ذکر شده نیاز به افراد با تجربه و کارکنند، باید با بدو جوخه‌های رزمی سازماندهی شود که افراد آن فنسئون نظامی و شجره لازم را با آموزش و در - پراشیک نظامی آبدیده شوند. باید از - آموزش قیام زودرس جلوگیری شود، زیرا این امر نیز جزئی از تدارک برای قیام محسوب میشود. و روشن است که انجام این وظایف که بر شرمودیم در دوران رکود و مسامحت نمی‌تواند آغاز زگرده بلکه وظیفه ما در آن دوران همان گردآوری - ارتش سیاسی انقلاب است. بنابر این - آغاز اجرای این وظایف از هنگامی است که یک دوران انقلابی فرا میرسد. حال برای چند لحظه فرض کنیم که ما با درک - رفقایی راهکار رگرو طبق رهنمودهای آنان عمل کنیم و فرا رسیدن موقعیت انقلابی را که در اساس ما با بدبتدارک لحظه مناسب آغاز قیام می‌باشیم، نقطه آغاز تدارک قیام بدانیم، ببینیم در آن صورت چه پیش خواهد آمد؟

ما قبلاً گفتیم که از سال ۵۶ یک دوران انقلابی با یک اعتلا محدود آغاز می‌گردد از ۱۷ شهریور بعنوان یک نقطه هفت - موقعیت انقلابی فراهم میشود و در ۲۲ - بهمین بیک قیام مسلحانه خلق میانجامد. حال فرض کنیم که رفقایی راهکار رگرسا دگی در موقعیت کنونی بلکه در موقعیت بلشویکهای روسیه در انقلاب ۷- ۱۹۰۵ قرار دارند و می‌خواهند جنبش را رهبری کنند و با یک قیام پیرا زده تدارک - سراسری آنها را برپا کنند. رفقایی راهکار رگرسا دگی در این شهر پیرا زده بعد در همان حال که مترصد لحظه مناسب برای قیام اند تدارک قیام را بصورت امری عاجل و فوری در دستور کار قرار میدهند. با تمام توان خود در جهت تدارک سیاسی قیام بپردازند. بیک پلاتفرم انقلابی حصول انقلابی ترین، اساسی ترین و مشخصترین خواسته‌های توده‌های مردم که بتوانند - وسیع ترین بخش توده‌ها را بسیج کنند، آراش میدهند، بطرح‌های راهی انقلابی - بلوا سطر میپردازند، وارد مذاکره با دمکراتهای انقلابی میشوند، تا یک اتحاد رزمی با آنها منعقد سازند، شروع بتدارک مالی و تسلیحاتی برای قیام میکنند - سازماندهی جوخه‌های رزمی، آموزش نظامی

این جوخه‌ها را که یکی از مهمترین اجزای تدارک قیام محسوب می‌گردد که بدون آن رهبری جنبش توده‌های در هنگام آغاز قیام ناممکن است، آغاز می‌کنند و ... و می‌خواهند همه این وظایف را در مدت - فی المثل چهار ماه انجام دهند، اما مناسبت رفقایی راهکار رگرسا دگی را در جهت تدارک قیام آغاز نکرده اند، و اگر بخت با آنها با ربا شد، وفی المثل مجاهدین خلق یک قیام نا بهنگام را آغاز نکنند، تا گمان در ۲۲ بهمین خود توده‌ها دست به یک قیام خود انگیخته - خواهند زد و خمینی نیز در پاسخ آن قرار خواهد گرفت. آیا واقعا "رفقای راهکار رگرسا دگی" فکر کرده اند که انجام اینهمه وظایف سیاسی نظامی بهنگامیکه هر لحظه ممکن است یک قیام آغاز زگرده، یا لحظه مناسب قیام فرا برسد و در نهایت چهار ماه بطول انجام ندهد آراشیک رگرسا دگی از حزب بلشویک نیز با خسته نباشد؟ بنظر ما این درک انحرافی رفقایی راهکار رگرسا دگی که تدارک قیام و لحظه آغاز قیام را یکی می‌گیرند و می‌خواهند در مدت چهار ماه - تدارک سیاسی - نظامی قیام را بپسند. آنها حتی قادر نخواهند بود که جنبش جوخه رزمی، "جوخه" رزمی بمعنای واقعی کلمه آماده کنند، البته ممکن است این گفتار ما برای کسانی که از نزدیک با مسائل نظامی و سازماندهی جوخه‌های رزمی آشنایی ندارند، اغراق آمیز برسد، اما کسی که دست اندر کار مسائل با شادوبند اندک مثلاً "سازماندهی" با بدو جوخه رزمی یعنی جوخه مدت وقت نیاز دارد، بخوبی درک می‌کند که بهیچوجه - اغراق آمیز نیست. زیرا جوخه‌های رزمی که با هدف نهایی رهبری توده‌ها در قیام آینده سازماندهی میشوند، باید از هر حیث شایستگی این رهبری را کسب کنند.

آیا میتوان بدون سازماندهی جوخه‌های رزمی برای یک قیام تدارک دید؟

لنین در اثر خود "تئوری زایش - خود انگیخته" می‌نویسد: "اگر اربدین امر که قیام مبتداری برای آن ضروریست و در همان حال به مسئله جوخه‌های رزمی تحقیر آمیز برخورد کردن (همانگونه که بونه مینویسد، از قورخا نه و پیرا زگرده شده است) تفهیمد، حرف زدن و فکدان - تکرار بیرونی نوشته‌های خود است" و در پاسخ به کسانی که تدارک قیام را - می‌پذیرند اما از زیر بار سازماندهی جوخه‌های رزمی، شانه‌ها می‌گرداند، و به مسئله جوخه‌های رزمی تحقیر آمیز برخورد می‌کنند، با تمسخر برخورد می‌کند - و میگفت این افراد در پیرا زده - های خود تعقیب نکرده اند، زیرا سازماندهی جوخه‌های رزمی محسوب میشود، و بدون این جوخه‌ها رهبری قیام آینده ناممکن است. با درک این وظیفه نیروهای انقلابی در دوران انقلابی و پیرا زده خود ویژگی‌ها ما همه پس از قیام احتمال وقوع قیام مجدداً است که ما در مقام "سازماندهی جوخه‌های رزمی" گفتیم از آنجا که ما در یک دوران انقلابی بسر می‌بریم و دوران رکود و مسامحت فرا نرسیده است و خصلت بحران کنونی انقلابی است و از آنجا که انقلاب به شکست قطعی نجام نمیده و احتمال وقوع یک قیام مجدداً وجود دارد، باید پیرا زده سازماندهی جوخه‌های رزمی بعنوان جزء لاینفک قیام متا کید کنیم. این جوخه‌ها باید در - بقیه در صفحه ۹



### وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۸  
فنون نظامی متبحر شوند، با سلاحهای مختلف آشنا شوند، بدست آورند، طرز ساختن بمب را بیاموزند و در حین انجام عملیات نظامی، شریعت، تجربه، بصیرت نظامی لازم را کسب کنند. فنون جنگ پارینزانی را بیاموزند. این جوخه‌های رزمی بقول لنین باید "خود را به بهترین وجه مسلح کنند" و بویژه جوخه‌های هوادار - وابسته تحت هیچ شرایطی نباید منتظر دریا فت کمک از منابع دیگر از بیابان اطراف و یا از خارج باشند، خود آنان باید هم چیز را بدست آورند (وظائف واحدهای ارتش انقلابی) آنها باید رهبران خود را انتخاب کنند، باید دست بکار رتئوریک و عملی بزنند، مطالبه‌ها را نظامی را آغاز کنند و کار عملی شان قبل از هر چیز باید متکی به تدارک همه‌جا نبه برای خود جوخه‌های رزمی باشد. اهمیت این جوخه‌ها برای تدارک قیام آنچنان است که لنین حتی در باره‌ی مواردا فراط کاریهایی آنها را نیز مهم نمیدانست و که بخوبی میدانست، سازماندهی جوخه‌های رزمی تا چه حد دشوار است و می‌بیند که پس از گذشتش ماه هفتاد یک بمب ساخته نشده است، بغا طرابین کمبود شدیدترین - انتقادات را به مسئولین حزبی می‌کند. او در نامه‌ی به کمیته‌ی سن پترزبورگ می‌نویسد "جوخه‌ها باید فوریت با انجام عملیات، آموزش نظامی را آغاز کنند. بعضی‌ها ممکن است فوراً کشتن یک جاسوس و یا ضربه وارد آوردن بکاسیگاه پلیس را عهده‌دار شوند. دیگران بسیاری مصدوم‌ها و پهلوانی دولت برای قیام بمب با تک حمله کنند. عده‌ای دیگر گفته - حملات را آغاز کنند و یا تدارک ببینند و غیره. اما مسئله اساسی اینست که بمب فوریت آموزش از پراتیک واقعی آغاز گردد. از این حملات آزمایشی ترسیمی نداشته‌ی باید، البته ممکن است - افراط‌های صورت گیرد، اما این شش سر فرد است. بگذارید هر گروهی بیاموزد. اگر فقط با ضربه وارد آوردن به پلیس باشد. یک دوچرخه در همین حدود - قربانی، بیش از آن، این واقعیت جبران می‌شود که این مرد صدها جنگجوی مجرب آموزش می‌دهند که فردا صدها هزار نفر را رهبری خواهند کرد." (به کمیته‌ی سن پترزبورگ) البته باید در نظر داشت که در اینجا تا کید پیش از جدلین بر این واخدها و حتی چشم پوشی از افراط‌گرایی آنها با این علت است که شرایط پیش از آن فراهم است که بتوان، فقدان ایسن جوخه‌ها را جبران کرد و یا سازماندهی آنها چشم پوشی نمود. اما ما در مقاله "سازماندهی جوخه‌های رزمی و ... حدود و وظایف، خصلت عملیات و اهداف رزمی این جوخه‌ها را بدقت روشن کردیم و تا آنجا که ممکن بود کوشیدیم با رهنمودهای خود مانع از افراط‌گرایی‌های جوخه‌های رزمی شویم. ما در آنجا بمنظور رفع هرگونه شبهه برای افرادی نظیر رفقای "راه‌کارگر" و "ترسیم‌یک خط و مرز روشن یا انحراف بر است و انحراف جوخه‌ها بر آماج دگی سازماندهی ایسن بمعنای آینه‌ای قیام آینه‌توده‌ها (تسه - ای نزدیک) تا کید کردیم و خصلت، مضمون و اهداف عملیات رزمی جوخه‌های رزمی را که بدون آن سازماندهی جوخه - های رزمی هیچ معنای ندارد، توضیح دادیم. ما با استناد به نوشته‌های

لنین گفتیم که خصلت عملیات رزمی - جوخه‌های رزمی "سازماندهی آموزش و تربیت رهبران جنبش توده‌ای" برای زمانه‌ی است که قیام توده‌ها آغاز می‌گردد، آنها باید بدینحوی آموزش ببینند که بتوانند در شرایط قیام، توده‌های وسیع مردم را رهبری کنند و قیام در آنها را آغاز کنند و آنها را به پیش بزنند و هدف فوری آنها را مبارزه جدی علیه با ندهای سیاه، درهم‌کوبیدن سازماندهی آنها، حمله به ارگانهای سرکوب، ترور انقلابی رهبران با ندهای سیاه و خائنین به خلق، مصدوم‌های مالی، تا مبنی سلاح و ... ذکر کردیم. اما چنین بنظر می‌رسد که رفقای راه‌کارگر و "لا" نتوانسته - اند خصلت و هدف عملیات رزمی جوخه‌های رزمی را درک کنند، و آنها را از خصلت و هدف عملیات رزمی مجاهدین متمایز سازند و تا نیا "از آنجا که قادر نبوده‌اند سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی را با خصلت و هدفی که ما بیان اشاره کردیم رد کنند، بناچار از یکسوا زاصل - قضیه طفره رفته اند و از سوی دیگر به تحریف نظرات ما دست زده‌اند. آیا تا کید بر ضرورت سازماندهی جوخه‌های رزمی به معنای تأیید عملیات نظامی مجاهدین خلق است؟  
"راه‌کارگر می‌نویسد: "رفقای اقلیت بجای اینکه با آموزش از لنین بطور مشخص روشن سازند که رابطه توده‌ها و میزان شرکت آنان در این عملیات بطور عینی و نه در آرزوچگونه است؟ - استدلال می‌کنند که این عملیات چون "کار یک مشت روشنفکر جدا از توده نیست پس درست است!!" تا کید از ما استند حال رفقای راه‌کارگر چگونه با این نتیجه رسیده‌اند و هدف آنها از این تحریف آشکارا چه بوده است، مسئله ایست که خود آنها باید بیان یا سنجیند. اما بی‌بینیم اصل قضیه چیست؟  
ما هنگام صحبت از ضرورت تشکیل جوخه - های رزمی و توضیح خصلت و هدف عملیات رزمی، پس از آنکه به شرایط عمومی سیاسی جامعه‌ی ایران و وظیفه را می‌طلبیدیم، به منظور توضیح این مسئله که تا کید عملیات رزمی از ذهن پیش‌آهنگ بیرون نیا مد و زمینه‌های مادی گرایش با عمال فئرو توسط توده‌ها در خود جامعه وجود دارد، نوشتم: "یا - توجه با اینکه فقط احتمال یک قیام - وجود دارد و یا توجه با اینکه محتملترین چشم‌انداز ریزش‌ها شکل عالی ترسیم‌ارز است، چگونه عملیات نظامی انجام - خواهد گرفت و هدف از انجام آنها چیست؟ خود ویژگی شرایط پس از قیام، عدم شکست قطعی انقلاب، کشاکش انقلاب و فدا انقلاب سبب شده است که ما در دوران - پس از قیام علیه ریزش‌های موقتی در میان رزات توده‌ها شاهد هستیم. در گریه‌ها و برخوردهای مسلحانه، قیامهای محلی، عملیات پارینزانی و ترور ... با شیم. ابعدا بدین در گریه‌های مسلحانه تا بدین حد است که میتوان با قطعیت گفت، در سر این دوران که هنوز ریزش‌ها مداوم در یک جنگ داخلی تمام عیار از یکسویین انقلاب و فدا انقلاب و از سوی دیگر در درون اردوی فدا انقلاب ادامه داده‌اند.  
سرا بر گردستان تا با امروز همچنان عرصه در گریه‌های مسلحانه، قیامها، و عملیات تا فلک‌گیرانه، ترور و شکنجه دیگر مبارزه فیهرا می‌زوده است و در - آن در میان غربی در گریه‌های مسلحانه - پراکنده هنوز ادامه دارد. در طی یکسک دوران شیراز هدبروز قیامها و در گریه‌های

مسلحانه در تبریز، کرمانشاه، خوزستان، گنبد، سیستان و بلوچستان، انزلی، آستارا، لاهیجان، بابل، فارس و ... بوده‌ایم. این مبارزات کاملاً خصلت توده‌ای داشته‌است. علاوه بر این در برخی مناطق بصورت پراکنده عملیات مسلحانه از سوی توده‌های بی سازمان به مراکز سرکوب رژیم، ترور عا صرمنفور و مقامات دولتی و مصدوم‌های مالی صورت گرفته است. امروز نیز ترورها و بمب‌گذاریهای سراسری که میتوان گفت با چنین ابعدا در نوع خود در تمام جهان کاملاً است و نمیتوان آنها را صرفاً "کار یک مشت" - روشنفکر جدا از توده دانست به در گریه‌های مسلحانه ابعدا تا ز به خشنده است، آنچه که گفته شده همه و همه بیانگر این جنگ داخلی و خصوصیات دورانی است که بین دو نبرد قطعی در جریان است و این در گریه‌های مسلحانه امری کاملاً طبیعی و اجتناب - ناپذیر است "سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی) هر گسی که در این نقل قول اندکی شمع کند، بی خواهد برد که در اینجا برخلاف ادعای بوج راه - کارگر صحبت بر سر درستی یا نادرستی این یا آن عملیات نظامی نیست. ما به درست بودن یا غلط بودن جنگ گردستان جنگ گنبد، جنگ خرمشهر، عملیات مسلحانه مجاهدین خلق و ... نپرداخته‌ایم. - زیرا هدف این مقاله نه ارزیابی تک تک این جنگها و در گریه‌های مسلحانه بلکه اولاً نشان دادن این مسئله بود که این در گریه‌ها بیانگر دوران خاصی در - مبارزات توده‌ها است و تا نیا "گزارش به اعمال قهر در مبارزات توده‌ها را نشان دهیم و بزیان ساده و عامه فهم ما مثال براه‌کارگر بکشیم این تا کید زاننده ذهن پیش‌آهنگ قیام، اما رفقای راه‌کارگر تنها این واقعیت بسیار ساده را درک نکرده‌اند، نه تنها به تحریف آشکار نظرات سازمان متوسل شده‌اند، بلکه فا کتهای عینی را نیز انکار کرده‌اند و در همان مقاله می‌نویسند:  
"به غیر از گردستان که ما در باره آن در جنبش انقلابی فراوان سخن گفته‌ایم بقیه قیام"ها" که رفقای از آن صحبت می‌کنند، در واقع هرگز خصلت قیام نداشته و زاننده ذهن گراشی رفقا است. اگر بخواهیم مبارزات و اعتراضاتی از نوع کرمانشاه انزلی، آستارا و ... را که به نظر ما هم خصلت توده‌ای داشته‌اند، اما مبارزاتی با مضمون نفی رژیم و در هم کوفتن "چهار جوب نظام" جمهوری اسلامی نبوده‌اند، قیامهای علیه رژیم دانسته و آنها را - ناشی از بحران انقلابی و نه قانوسی که بیان نگرند و ما عتلا یا موقعیت انقلابی است بدانیم. .... اگر مبارزاتی از نوع مثلاً "بندرانزلی (سیستان و بلوچستان آستارا و ...) را که بخاطر حفظ دست آوردهای قیام (آزادی میسر) و بستوان رزم در چار جوب نظام مویا امید به تغییرات سطحی صورت میگرفت .... خلاصه اینکه بجز یک مورد استثنا بی انما صورت نگرفته است و آنچه که ما بدان اشاره کرده‌ایم زاننده ذهن گراشی است.  
اولاً رفقای راه‌کارگر در همین جمله بخوبی نشان می‌دهند که اساساً "نه می‌دهد - اند چرا این فا کته طرح شده است همان اعتراف راه‌کارگر با این مسئله که این مبارزات خصلت توده‌ای داشته است و شرا بیتی وجود دارد که مردم بخاطر حفظ دست آوردهای قیام "!! دست به سلاح می‌برند و حتی با لاترازان، سطح و شکل مبارزه آنها چنانست که فی المثل بقیه در صفحه ۱۰



وضعیت کنونی و...

بقیه از صفحه ۹  
بخاطر آزادی صید به نهادهای سرکوب رژیم حمله می کنند، مزدوران را خلع سلاح می کنند و شهر را در اختیار خود می گیرند، بر تمام مفرها و کبری چینی های آنها خط بطلان می کشد و پیش آهنگ را در آنجا تا کشتیهایش بنحوبسیا رجایی را همانای خواهد کرد.

بهر حال ما خود را موظف میدانیم که دوباره این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم و نشان دهیم که تا چه حد رفقای راه کارگر در اشتباه می روند.

میتوان بر سر راه ما مجادله کرد اما واقعیتها را نمیتوان انکار کرد

لنین در اثر خود جنگ پارتیزانی می گوید:

"یک مارکسیست نمیتواند بطور مطلق جنگ داخلی ویا جنگ پارتیزانی را که شکلی از جنگ داخلی است عبرت آفرین بداند و معتقد باشد که در هر شرایطی این جنگ دارای تاثیر بد روحی است. مارکسیسم از موضع مبارزات طبقاتی حرکت می کند و نه از موضع صلح اجتماعی، در مراحل مختلف بحران های عمیق سیاسی و اقتصادی، مبارزه طبقاتی به جنگ داخلی منجر میگردد. یعنی به مبارزه مسلحانه میان دو بخش خلق (تا کید زمانه آری جنگ داخلی شکلی از اشکال مبارزه طبقاتی است که در مراحل مختلف بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی پدید می آید. اما برخلاف تصور رفقای راه کارگر بدین معنا نیست که در یک روز معین یکدیگر می آرائی کنند و آنگاه با هم توان بجان یکدیگر بیاورند، خیر! آنچه که جنگ داخلی را از انواع دیگر جنگ متمایز می سازد همانا تنوع اشکال و پیچیدگی آنست. جنگ داخلی در واقعیت های گوناگون و در شرایط متفاوت - اشکال متنوعی بخود میگیرد و از بعد گوناگون برخوردار است. به همین علت لنین در پاسخ به کسانیکه این خصوصیات جنگ داخلی را درک نمی کردند، می گفت: "طبیعتا جنگ داخلی از انواع دیگر جنگ بدین لحاظ متفاوت است که اشکال مبارزه به مراتب متنوع ترند. از یابی قدرت و ترکیب جنگجویان و دوطرف مشکلات است و به مراتب بیشتر نوسان می کنند"

(بین دو نیرو - لنین)  
بنابر این خصوصیت ممتاز از جنگ داخلی نسبت به انواع دیگر جنگ در اینست که اشکال آن بسیار متنوع اند و بسته به شرایط متفاوت از اشکال و بعدا گوناگون برخوردار است. از این رو نباید از جنگ داخلی یک هیولای خست، با پدشرا بیست مختلف را در ارتباط با اشکال مختلف جنگ داخلی در نظر گرفت. نباید تصور کرد که صرفا یک قیام عمومی نظیر قیام ۲۲ بهمن بمعنای جنگ داخلی است

بلکه جنگ داخلی اشکال گوناگون قیام های عمومی، قیامهای محلی، شورشی مسلحانه دهقانان و نیروهای مسلح، - نبردهای موضعی و جبهه ای، اشکال گوناگون جنگ پارتیزانی و... را دربر میگیرد. بویژه توجه به خصوصیت شرایط خود بویژه یعنی همان شرایطی که رفقای راه کارگر از درک آن قاصرند و نمیتوانند اوضاع پس از قیام را تبیین کنند، به ما اشکال خاصی از جنگ داخلی را نشان خواهد داد. فی المثل در برخی شرایط یعنی در "فواصل یا لنسبه طولانی" میان دو قیام بزرگ و دو نبرد عظیم، مبارزه مسلحانه در اشکال متعددی بروز میکنند و جنگ داخلی از ویژگیهای خاصی برخوردار میگردد. بر این اساس لنین معتقد بود که: "با پدشرا بیست یعنی مبارزه را در نظر گرفت و دانست که مراحل گذار میان قیامهای بزرگ دارای چه مشخصاتی هستند، با پدشرا بیست در این شرایط که اینک از اشکال مبارزه ضرورتا بوجود می آیند... و همچنین می گفت که "مبارزه پارتیزانی بمعنای شکل اجتنابناپذیر مبارزه زمانی است که ضرورت پیدا میکند که جنبش توده ای در آستانه قیام قرار دارد و فواصل یا لنسبه طولانی (در ترجمه فارسی "فواصل کم" ترجمه شده است، اما در متن انگلیسی کلیات آثار "بالنسبه طولانی" نوشته شده است) بین نبردهای عظیم جنگ داخلی بوجود می آید" (جنگ پارتیزانی) از این رو کسی نمی تواند خود ویژگیهای ما را از اولین نبردهای عظیم و قیام بزرگ که توده ها رژیم شاه را سرنگون کردند، اما رژیم شاه انقلابی دیگری آن قرار گرفت، بمانند تحقق خواسته های توده ها گردید، درکند و طبیعی بودن و اجتنابناپذیری درگیریهای مسلحانه متعدد را پس از نخستین قیام بفهمد، طبیعی است که از عهده تبیین این پدیده بر نخواهد آمد که چرا در این دوران درگیریهای مسلحانه متعددی که البته هیچیک در بعد قیام بهمن ماه نیست پدید می آید و چرا حتمی بنا بیکتفاه راه کارگر میان آن انقلابی بخاطر رسیدن از دست به اسلحه می برند.

فقدان این درک است که رفقای راه کارگر را و میدارد که بگویند جز در کردستان جنگی میان خلق و حکومت پدید نیامده و همه قیامها محلی و درگیریهای مسلحانه دیگر واقعیت نداشته و ساخته ذهن خیال پرورانه ما بوده است! البته میتوان بر سر راه ما مجادله کرد، اما واقعیتها را نمیتوان انکار یا تحریف نمود. ما از رفقای راه کارگر که صرفا "اشاره های گذرا به کردستان می کنند می پرسیم: آیا اساسا از قیام تا به امروز در منطقه وسیعی از میهن ما یعنی در کردستان و آذربایجان غربی جنگی میان توده های مردم و حکومت وجود داشته است؟! یا در مقطعی کوتاه پس از قیام در مناطقی از کرمانشاه نبردهای مسلحانه ای میان حکومت و توده های مردم بوجود پیوسته است و آیا بعدا نیز بشکل پارتیزانی آن ادامه یافته است؟ آیا کسی میتواند دستگیر بندی توده های خلقی غرب را در خوزستان و کشتار مدنی را در این منطقه پس و مبارزات چریکی را انکار کند؟ آیا اساسا "در ترکمن صحرا میان دهقانان و حکومت نبردی مسلحانه بوجود پیوسته است؟ آیا در برخی مناطق شمالی ایران قیام های محلی بوجود پیوسته است و خلق بقول راه کارگر بخاطر حفظ دستاوردهای انقلاب به مبارزه مسلحانه علیه حکومت متوسل شده است؟ آیا در برخی مناطق

استان فارس درگیریهای مسلحانه بشکل چریکی علیه حکومت ویا درگیریهای میان دهقانان و خاندانها ویا ایضا "در بلوچستان وجود داشته است؟ آیا در مناطقی نظیر لرستان، فارس، سیستان و بلوچستان هر چند بطور محدود داشته ها می از مردم از فرط فقر و بدبختی گروههای مسلح تشکیل داده اند و بقول حکومت به سرگردنه گیری و راهزنی پرداخته اند؟ و آیا در موارد متعددی با پادشاهان و زاندا رهبران نیز بشکل چریکی درگیریهای مسلحانه داشته اند، یا نه؟ و علت بروز این پدیده ها چه بوده است؟ اگر رفقای راه کارگر واقعا از این فاکتورها بی اطلاعند، لااقل به روزنامه های پس از قیام نظری بیافزایند و ببینند که آیا این فاکتورها حقیقتا در دنیا ساخته و پرداخته ذهن مات؟ از آنجا که رفقای راه کارگر خود ویژگیها ما را و خصوصیت جنگ داخلی را در "فواصل یا لنسبه طولانی" بین دو قیام بزرگ درک نمی کنند، بناچار می شوند که فقط اشاره ای گذرا به کردستان بکنند. از همه قیامهای محلی و درگیریهای مسلحانه، حتی در ترکمن صحرا نیز چشم ببندند و سرانجام با تبیین نتیجه برسد که در آنزلی میان ما با تفاق دیگر مردمی که از آنها حمایت می کردند، یک شوخی ساده با حکومت کردند، به مراکز سرکوب آن حمله نمودند، با سازمان را خلع سلاح کردند، شهر را در اختیار خود گرفتند و با زور با عمل انضباطی برداشتند تا اینکه با لایحه نیروی دریایی وارد عمل شد و مردم سرکوب شدند. بر این نمیتوان نام یک قیام محلی نهاد، چرا که مردم بخاطر حفظ دستاوردهای انقلاب دست به اسلحه بردند! و ایضا نیز مبارزه مسلحانه دهقانان ترکمن صحرا و خلق علیه حکومت آنقدر بی اهمیت است که حتی اشاره ای هم بان نمی شود. بویژه لایحه تنها یک استثنا در کردستان وجود داشته است که البته معلوم نیست چرا از این استثنا که البته به میان آمده است، زیرا که خلق کرد نیز همانند مردم آنزلی میخواسته است از دست آوردنهای انقلاب دفاع کند، منتها - تفاق و تشریف در اینست که در آنزلی مردم پس از چند روز سرکوب میشوند، در حالیکه در کردستان مبارزه مسلحانه همچنان ادامه می یابد.

پس می بینیم پای تحلیل ها و اظهار نظر - های راه کارگر در همه جا می نهد، زیرا که اولاً تبیین این شرایط با تحلیل رفقای راه کارگر در مورد شکست قطعی انقلاب تضاد دارد. ثانیاً "رفقا درک نمی کنند که این نبردهای مسلحانه مختص یک دوران خاص است و نمیتوانست فی المثل از دهه چهل تا اواسط دهه پنجاه پدید آید و ثانیاً "رفقای راه کارگر - نمی دانند که قیامهای بزرگ، قیامهای محلی، نبردهای موضعی و جبهه ای، اشکال مختلف جنگ پارتیزانی علیه حکومتها همه در مقوله جنگ داخلی می گنجند. راه کارگر اساسا "تفهیمیده است که منظور از طرح این فاکتورها چه بوده است. حتمی اگر آنها با این مسئله توجه می کردند که چرا ما به درگیریهای مسلحانه ضد انقلابین با یکدیگر ویا در مواردی که توده ها تحت رهبری مرتجعین علیه حکومت حرکت کرده اند، اشاره کرده ایم منظور ما درک می کردند، چرا که ز نظر ما مهم درک این مسئله است که بعدا نیمه علی با عت میشود که توده ها در برخی موارد تحت رهبری مرتجعین علیه یک حکومت مرتجع و ضد انقلابی دست به اسلحه ببرند. بویژه لایحه چرا علیرغم اینکه ما از جنگ داخلی در برابر بقیه در صفحه ۱۱

### وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۱۰

این دوران سخن میگویم تا کتیک مسلحانه را نه یک تاکتیک عمده بلکه فرعی قلمداد کردیم، (البته این به معنای نفی عمده بودن دربرخی مناطق نظیر کردستان نیست) پس روشن شد که هدف ما از ذکر فاکت های متعدداً ز جمله عملیات مسلحانه مجاهدین نه اثبات درستی یا نادرستی آنها بلکه نشان دادن گرایش به قهر در مبارزات - مردم بوده است. حال چگونه رفقای راه - کارگران نتیجه را گرفته اند، که چون ما به عملیات گسترده مجاهدین اشاره کردیم، پس برای این اعتقادیم که این تاکتیکها درست است؟ این از چیزی است که زاده ذهن خیال بردار راه کارگر است، و نه فاکت های مسلمی که ما با آنها اشاره کردیم.

علیرغم اینکه هدف مقاله "سازماندهی جوخه های رزمی و ... این نبود که درستی یا نادرستی مبارزات مسلحانه را در دوران پس از قیام تحلیل کند، اما از بدنه ای راه کارگر ما پس از اثبات این مسئله که عملیات رزمی جوخه های رزمی بعنوان یک تاکتیک فرعی ضروری و مجاز است، در انتهای مقاله با مجاهدین خلق که این تاکتیک را مطلق یا عمده کرده اند، کاملاً مرزبندی نمودیم و نوشتیم:

"ما در اینجا در همان حال که در شرایط کنونی با انحراف بر راست درون جنبش (بخوان راه کارگر) مرزبندی می کنیم، در مقابل انحراف به چپ (بخوان مجاهدین خلق) که بعضی تا کید بر سازماندهی مبارزات توده ها، تا کید بر سازماندهی اعتراضات و جنبش خودبخودی توده ها، تا کتیک مسلحانه را محور تاکتیکهای خود قرار می دهد و تاکتیکهای مسلحانه را که میتواند مضمون انقلابی داشته باشد، از مضمون واقعی خودنهی میسازد و یا می کوشد قیامی زودرس را بنمونه ها - تحمیل کند، مرزبندی داریم، زیرا به قول لنین وظیفه تدارک قیام البته شامل مانع شدن از قیام های زودرس نیز هست، برخی عملیات نظامی که در یک ماهه اخیر صورت گرفته در ای خصلت

و اهدافی جز آنکه ما بدان اشاره کردیم، می باشد. این تصور که حکومت بسیار زود سقوط خواهد کرد منجر به اتخاذ تاکتیکهای میشلودگی در ای خصلت سرنگونی هستند و آنجا که هنوز سازمان مبارزه توده ها و اتحاد این تاکتیکها با جنبش خصلتی شکاف وجود دارد، توده های مردمگش و توان لازم را در قبال این تاکتیکها در این نیستند و در نتیجه منجر به یک وقفه در مبارزات توده ها خواهد شد. شکاف میان مبارزه توده ها و عملیات نظامی بسیار بزرگ با عیث می شود که عملیات نظامی از خصلت و اهداف واقعی خودنهی گردد. بنابراین با ید همیشه و در هر حال روحیات و خلقیات توده ها بویژه در مناطق متعدد در نظر گرفته شود. مراکز و اهداف معین در دقیق و حساب شده باشد، از هرگونه آسیب رسیدن به توده ها تا آنجا که ممکن است، جلوگیری شود. در حالی که ما در برخی از عملیات اخیر شاهد بوده ایم که این مسائل در نظر گرفته نشده است، تروریست عنصر منفور که میتواند در دنیا نگر روحیات و خلقیات توده های مردم و خواست واقعی آنها باشد، در یک موقعیت نامناسب یا در یک تروریست جمعی، نتیجه مطلوب را به بار نمی آورد. علاوه بر

این بی توجهی نسبت به اهداف تعیین شده باعث میگرد که حکومت منتصابی تبلیغات خود را بسوی آن معطوف دارد و از یک عمل نظامی نتیجه معکوس در جهت مبارزات توده ها و روحیات آنها پدید آید.

خلاصه تنها آن عملیات رزمی در شرایط کنونی میتوان نمودن تا شاید شد که اولاً با خصلت آموزش رهبران توده ها برای قیام آینده منطبق باشد و اهداف آن در جهت راهگشائی و هموار کردن راه برای مبارزات توده ها باشد و سرگونی فوری و بلاواسطه رزمی، ثانیاً تا کتیک بر سازماندهی مبارزات توده ها باشد و تاکتیک مسلحانه بعنوان یک تاکتیک فرعی در نظر گرفته شود که تنها در خدمت تدارک قیام قرار دارد.

هرآنکه با اندک با شعوری که در این باره گراف نظار کنند، بسیار دوری در میانه بد که به مراتب تا کتیکهای مجاهدین خلق رده شده است چرا که مجاهدین بعضی تا کید بر سازماندهی مبارزات توده ها تا کید بر سازماندهی اعتراضات و جنبش خودبخودی توده ها، تا کتیک مسلحانه را محور تاکتیکهای خود قرار داده اند. آنها دست به تاکتیکهای بلانکیستی زده اند و قیامی زودرس را آغاز کردند مجاهدین خلق با "این تصور که حکومت بسیار زود سقوط خواهد کرد" تا کتیکهای که "دارای خصلت سرگونی هستند" و "آنجا که هنوز میان مبارزه توده ها و اتحاد این تاکتیکها با جنبش خصلتی شکافی وجود دارد، توده های مردمگش و توان لازم را در قبال این تاکتیکها در این نیستند،" یک وقفه در مبارزات توده های مردم "پدید آورده اند، آنها بدون در نظر گرفتن سطح مبارزات مردم و خلقیات توده ها، دست به تروریست های زنده که نتیجه معکوس بسیار آورد.

"فی المثل تروریست عنصر منفور که میتواند بسیار نگر روحیات و خلقیات توده های مردم و خواست واقعی آنها باشد، در یک موقعیت نامناسب یا در یک تروریست جمعی نتیجه مطلوب را به بار نمی آورد" و "از یک عمل نظامی نتیجه معکوس در جهت مبارزات توده ها و روحیات آنها پدید آید" و بلاواسطه خصلت تاکتیکهای نظامی مجاهدین آموزش رهبران توده ها برای قیام آینده نیست و اهداف آن در جهت راهگشائی و هموار کردن راه برای مبارزات توده ها نمی باشد. بلکه دارای خصلت سرگونی هستند و بدین طریق آنها "تاکتیکهای مسلحانه ای را که میتواند مضمون انقلابی داشته باشد، از مضمون واقعی خودنهی میسازد"

حال چه کسی میتواند از این گفته ها نتیجه بگیرد؟ پس (تاکتیکهای مجاهدین خلق) درست است؟

تنها کسی که قادر نیست ضرورت سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی را با خصلت و اهدافی که ما برای آن قائلیم رد کند، بناچار بشیوه های کاملاً پورتونیستی متوسل میشود، دست بحریف میزند، مبارزه را زودلویزیک را به ابتدال می کند و نتیجه میگرد پس (تاکتیکهای مجاهدین خلق) درست است!

اما آیا میتوان از اینکه تاکتیکهای مجاهدین خلق انحرافی و نادرست است، این نتیجه را گرفت. پس سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی نیز نادرست است؟

هرگردی گردون نیست



رفقای راه کارگر که همیشه مترصدند تا از هر فرصت ممکن و این با آن شیوه نادرست دلیل و توجیهی بر اثبات نظرات انحرافی خود پیدا کنند و بقول لنین "مترسکی علیه اصولاً شرکت سوسیال دمکراتها در جنگ پا ر - تیزانی علم کنند" میکوشند تا از طریق اشاره به تاکتیکهای زیبا بنا بر مجاهدین خلق - هرگونه تاکتیک مسلحانه و هر عمل رزمی را - نادرست جلوه دهند. ما پیش از این در مقاله جوخه های رزمی می گفتیم که این شیوه نادرست توسط این با آن سازمان سیاسی نفی کننده و ظالمانه نیست و ما به کسی پس از اجاره از نامی دهیم که با توسل به تاکتیکهای مجاهدین ضرورت سازماندهی جوخه های رزمی را نفی کند.

امروز نیز یکبار دیگر میگوئیم که ما هرگونه زیاده روی و افراط را به شدت محکوم میکنیم. ما برای مسئله آگاهی کامل داریم که در کارگاهی که خوب سودمندند اگر به افراط کشانده شوند ممکن است بخداز مدت معینی اجباراً به چیزهای بدو زبان - آورت تبدیل میشوند. (وظایف واحدهای ارتش انقلابی - لنین) و نیز تره بدینند که افراط در عملیات رزمی توسط مجاهدین و خصلت و اهدافی که این سازمان برای تاکتیک مسلحانه قائل میشود، اساساً مردود است. اما هیچیک از این موارد - لایلی برود وظیفه سازماندهی جوخه های رزمی نیست.

لنین میگفت: "افراط و زیاده روی همیشه بد است و در ذهن هر سوسیالیستی کمترین تردیدی نیست که هنگام سازماندهی عملیات چریکی احساسات توده ها باید در نظر گرفته شود... زیاده روی - هرگز معقول نیست. اما غلط است که جنبش نتیجه گیری کنیم چون مواردی از "افراط کاری وجود داشته است، یک شکل مبارزه بی فایده است." (حوادث روز)

بهترین بود که رفقای راه کارگر یک بار برای همیشه این واقعیت را درک میگردند که هرگردی گردون نیست و نمیتوان از طریق نفی تاکتیکهای مجاهدین به نفی سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی آنها رسید. چرا که در اینجا ما بسا پدیده ای روبرو هستیم که خصلت و اهداف آن از دیدگاه ما یک چیز است و از دیدگاه مجاهدین خلق اساساً چیز دیگر.

ما سازماندهی جوخه های رزمی را جز لاینجزای تدارک قیام میدانیم که خصلت و اهداف فوری عملیات رزمی آنها نیست سرگونی دشمن، نه توده ای گردن مبارزه مسلحانه، بلکه آموزش و تربیت رهبران - جنبش توده ای برای قیام آینده توده ها و راهگشائی مبارزات توده ها در مرحله کنونیست. این سازماندهی میبایستی با درک شرایط از همان فردای قیام بهمین آغاز گردد و اگر گذشته میبایستی در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و ... بطور عملی با قانون نظامی آشنا گردند،

در عملیات رزمی شرکت کنند و تجربیات نظامی بیاموزند، امروز با توجه به نکات ذکر شده در مقاله "سازماندهی جوخه های رزمی ... و رعایت دقیق آن نکات در اجرا بران میشود اندامین وظیفه خود را انجام دهند. بر همین اساس است که این تاکتیک از دیدگاه ما یک تاکتیک فرعی محسوب میشود که رابطه دشمنی آن را با شکل و مرحله تکاملی جنبش نشان میدهد و حتی در هر کجا که بکار می رود با توجه دقیق به خلقیات و روحیات توده ها صورت میگیرد. در حالی که تاکتیکهای مجاهدین خلق اساساً "بلانکیستی است. آنها تا کتیک مسلحانه را بقدر سرنگونی حاکمیت و با در نهایت توده ای کردن مبارزه مسلحانه بکار



### وضعیت کنونی و آینده

میکبرند. آنها با این عملیات بخبال خود قیام را آغاز کرده اند. آنها در کاگردا پس تا کتیک هیچگونه راهی را بطای میان این تا کتیک با شکل، سطح مرحله تنگ ملی جنبش توده ای قائل نیستند حتی به روحیات و خلقیات مردم در مناطق مختلف توجه ندارند و این تا کتیک را شکل عمده مبارزه میدانند از این رو روشن است که هر چه هر دو بظا هر تا کتیک مسلحانه اند، اما ما دو تا کتیک اساسا متفاوت محسوب می‌نمایند. بر این اساس راه - کاگردا پیوسته می‌گردد تا کتیکهای مجاهدین به نفعی سازماندهی جوخه‌ها ی رزمی برسد. بهتر این بود که رفتاری راه کاگردا عوی اینهمه داد و بیداد بر سر تا کتیک‌های مجاهدین، یک درس عملی از آن می‌موختند و پی می‌بردند که ما با پیش از آنکه سازمان مجاهدین خلق را مورد سرزنش قرار دهیم که چرا قیامی را زودتر از آغاز نکرد، به تحریکات حکومت تن دا دوبا مطلق کردن وعده نمودن تا کتیک مسلحانه ضرباتی به جنبش وارد آورد؟ خود را سرزنش کنیم که با عدم درک درست وظایف خود، ابتکار عمل را بدست مجاهدین خلق سپردیم و امروز نیز بدون پی بردن باین وظیفه قادر نخواهیم بود، با دشنام دادن جوانب منفی تا کتیکهای آنها را تصحیح کنیم، تاثیرات زیان بخش آنها از بین ببریم، و ابتکار عمل را از دست آنها بگیریم.

که امروز نیز همچون گذشته، اساسی ترین وظیفه ما تلاش در جهت تکمیل انقلاب است و تمامی وظایف و تا کتیکهای فوری ما در خدمت تحقق این امر قرار دارد. در خدمت تا کتیکهای ما هیچگونه تغییر اساسی صورت نگرفته است و خلعت این تا کتیکها همچنان تعرضی است. البته باید در نظر داشت که همانند دیگر صحنه جنگ - این بمعنای نفی عقب نشینی های تاکتیکی بمنظور یک تعرض گسترده و یک ضد حمله تازه نیست.

طرح شعارهای انقلابی بلاواسطه که بیانگر شکل انقلابی جنبش است کاملاً مجاز و ضروریست. در ارتباط با وظیفه تکمیل انقلاب، شکل انقلابی جنبش، خلعت تعرضی تا کتیکها طرح شعارها و بلاواسطه انقلابی، احتمال وقوع یک قیام، تدارک قیام همچنان یکی از وظایف ما است.

ما بر اساس درک وظیفه اساسی خود با بدتدارک نیروهای انقلاب را برای قیام که اساس آن سازماندهی توده های طبقه کارگر است، محور تدارک خود قرار دهیم. از این رو سازماندهی جوخه های رزمی یکی از وظایف اصلی ما است.

تدارک قیام همچنین مستلزم انعقاد قیام - دادهای رزمی با همه نیروهای انقلابی بویژه دمکراتهای انقلابیست از این رو - با بدبیرا اساس یک پلانتفرم انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت با دمکراتهای انقلابی متحد شویم.

در پایان این بحث لازم میدانیم که بویژه در ارتباط با رفقای هواداران چندی را توضیح دهیم. برخی از رفقای چنین تصور کرده اند که تدارک نظامی قیام موسا زماندهی جوخه های رزمی، میتوانستند وظایف سیاسی ما را تحت الشعاع قرار دهد. درحالیکه باید در نظر داشت که این وظیفه کلا در خدمت وظایف سیاسی قرار دارد. عملیات رزمی در شرایط کنونی تنها یک تا کتیک فرعی است و تا کتیکهای سیاسی توده همچنان عمده ترین تا کتیکهای ما محسوب میگردد. سازماندهی جوخه های رزمی نه تنها قوی با وظیفه بسیج

و سازماندهی سیاسی توده ها یعنی تدارک نیروهای انقلاب برای قیام مدارد، و نه میتوان آن وظیفه را تحت الشعاع قرار دهد.

ما همچنین در مقاله "سازماندهی - جوخه های رزمی..." با این مسئله اشاره کردیم و همچنین گفتیم یکی از وظایف جوخه ها تبلیغ گسترده است. جوخه ها "بویژه در محیط ترور و اختناق کنونی با آما دگی که دارند، قادرند، در هر روز هزاران اعلامیه پخش کنند و شعارهای انقلابی بلاواسطه را که خود جزئی از تدارک قیام محسوب میشود، بر درود بپوشانند و بدرون توده ها بپسندند. با بددر نظر داشت که تحت شرایطی قدرت - تخریبی یک اعلامیه از هر بزم نیرومند - بیشتر است. ما در همان حال که به رفقای گارگر، دانشجو، دانش آموز... ضرورت - سازماندهی جوخه های رزمی را خاطرنشان میسازیم و با میگوئیم رفقای آموزش نظامی را به بهترین وجه فراگیرید. بر این مسئله تاکید میکنیم که باید همگام با آما دگی تبلیغی - سیاسی خود را در راه مبارزات افزایش دهید. بویژه در لحظه کنونی که ارتجاع ها و دیوانه وارچان انقلابیون و توده های - مردم افتاده است و میگوئید محیط رعب و وحشت را حاکم سازد، حضور فعال سیاسی - تبلیغی خود را در هر کجا که هستید نشان دهید. هسته های مقاومت را گسترش دهید. و بکوشید هر تجلی ناراضی را به یک اعتراض - گسترده بدل سازید. در اینجا بویژه وظیفه ای بسا پرستگین بر دوش رفقای کارگر ما قرار دارد. زیرا که اساس تدارک نیروهای - انقلاب را برای قیام سازماندهی توده های طبقه کارگر تشکیل میدهند بدون یک اعتدال عمومی سیاسی که بشیوه خاص مبارزه طبقه کارگر محسوب میشود، یک قیام عمومی و سراسری معنا خواهد بود. از این رو رفقای کارگر در همان حال که میکوشند تا کتیکهای مختلف روزمره مبارزات و اعتراضات طبقه کارگر را سازمان دهند، در همان حال که در جهت تشکیل صندوقهای اعتدال، صندوق کمک به کارگران اخراجی، صندوق کمک به خانواده های کارگران زندانی تلاش میکنند باید با ایجاد کمیته های مخفی اعتدال - زمینه را برای یک اعتدال عمومی سیاسی که زمینه ساز قیام محسوب میشود فراهم آورند. اما مسئله دیگری که مکرراً زوسی - رفقای ما طرح شده است و در اینجا لازم است بدان پاسخگوئیم در ارتباط با مسئله ماست. ما در نوشته های خود مکرراً به مسئله - قیام و تدارک قیام اشاره کردیم، از این رو این سؤال طرح شده است که آیا ما امکان دیگری که ممکن است قیام را تا کتیکها بخود بگیرد نفی میکنیم یا پاسخ منفی است. اولاً "هنگامی که ما از قیام صحبت میکنیم - مورد نظر ما، قیام بمعنای عام آن است، نه بمعنای خاص آن نظیر شکل خاصی از مبارزات مسلحانه توده ها نظیر قیام ۲۲ بهمن ثانیاً هیچ ما رگسبستی بخودا جاز نمی دهد که شکل مبارزه را از پیش تعیین کند و اشکال قبلاً شناخته مبارزه را که احتمال پدید آمدن آنها وجود دارد نفی کند. بر خورد - ما رگسبستی باین مسئله همان جمله - لنین است که میگوید "ما رگسبستیم هیچگاه - شکلی از اشکال مبارزه را برای همیشه رد نمیکنند. ما رگسبستیم هیچ وجه خود را تنها به اشکالی از مبارزه در یک لحظه معین - ممکن بوده و بکار برده میشوند محدود نمی کند، بلکه معتقد است که در صورت تغییر موقعیت اجتماعی تا کتیکها اشکال قبلاً - شناخته و نوینی از مبارزه بوجود خواهد آمد..." (جنگ با رنیزاسیون)

اما با بددر نظر داشت که طبقات - مختلف اشکال مختلف از مبارزه خود را

تدارک قیام موسا زماندهی جوخه های رزمی، میتوانستند وظایف سیاسی ما را تحت الشعاع قرار دهد. درحالیکه باید در نظر داشت که این وظیفه کلا در خدمت وظایف سیاسی قرار دارد. عملیات رزمی در شرایط کنونی تنها یک تا کتیک فرعی است و تا کتیکهای سیاسی توده همچنان عمده ترین تا کتیکهای ما محسوب میگردد. سازماندهی جوخه های رزمی نه تنها قوی با وظیفه بسیج

تدارک قیام همچنین مستلزم انعقاد قیام - دادهای رزمی با همه نیروهای انقلابی بویژه دمکراتهای انقلابیست از این رو - با بدبیرا اساس یک پلانتفرم انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت با دمکراتهای انقلابی متحد شویم.

در پایان این بحث لازم میدانیم که بویژه در ارتباط با رفقای هواداران چندی را توضیح دهیم. برخی از رفقای چنین تصور کرده اند که تدارک نظامی قیام موسا زماندهی جوخه های رزمی، میتوانستند وظایف سیاسی ما را تحت الشعاع قرار دهد. درحالیکه باید در نظر داشت که این وظیفه کلا در خدمت وظایف سیاسی قرار دارد. عملیات رزمی در شرایط کنونی تنها یک تا کتیک فرعی است و تا کتیکهای سیاسی توده همچنان عمده ترین تا کتیکهای ما محسوب میگردد. سازماندهی جوخه های رزمی نه تنها قوی با وظیفه بسیج

تدارک قیام همچنین مستلزم انعقاد قیام - دادهای رزمی با همه نیروهای انقلابی بویژه دمکراتهای انقلابیست از این رو - با بدبیرا اساس یک پلانتفرم انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت با دمکراتهای انقلابی متحد شویم.

دارا هستند. اشکال مبارزه پرولتاریا با اشکال مبارزه دهقانان و همینطور اشکال مبارزات توده ها در یک جامعه فئودالی با شیوه فئودالی و در یک جامعه سرمایه داری یکی نیست. از این گذشته بی هیچ تردیدی اشکال پیشین مبارزه انقلابی - توده ها، خصوصیات ملی و فرهنگی یک ملت برای اشکال مبارزات آنها تا شیرخواهد داشت و با لایحه مبارزه ضد انقلابی حکومت و تکلیفهای آن بر تعیین شکل مبارزه - توده ها تا شیرخواهد داشت.

لنین در شرح "انحلال دوما و وظایف پرولتاریا" در این باره می نویسد: "شکلی که مبارزه آینده محتملاً بخود خواهد گرفت تا حدی از طریق محتوای آن و تا حدی از طریق اشکال پیشین مبارزه انقلابی و مبارزه ضد انقلابی استبداد تعیین میگردد بنا بر این با توجه به ساخت سرمایه داری - جامعه با توجه به تمرکز پرولتاریا در شهرها و شیوه خاص مبارزات آن و نیز انبوه خرد - بورژوازی شهری و تجربیات پیشین مبارزه انقلابی توده ها میتوان احتمال داد که با گسترش مبارزه توده های شهری، شکل مبارزه آنها یک قیام عمومی سراسری نظیر گذشته باشد. اما عوامل مختلف از جمله مبارزه - ضد انقلابی حاکمیت و تجربه انقلابی توده ها میتوانند شکل مبارزه تا شیر بگذارند و اشکال قبلاً شناخته و نوینی از مبارزه را پدید آورند. این مسئله بویژه با توجه به نا همگونی ساخت و بنا موزونی رشد مبارزه در مناطق مختلف، از اهمیت ویژه برخوردار میگردد. فی المثل شکل مبارزه خلیج کرد و خلیج بلوچ در کردستان و بلوچستان، همان نیست که در تهران و اصفهان است. حتی این احتمال وجود دارد که در ایران - نیز همانند، نیکاراگوئه و لائوس دور، قیام مشکل کاملاً نوینی بخود بگذرد، و از طریق یک منطقه آزاد شده و یک سر قیام - های محلی، یک قیام سراسری و عمومی به وقوع بپیوندد، بهر حال ما نمیتوانیم شکل مبارزه آینده توده ها را از قبیل تعیین کنیم، اما تدارک ما برای قیام موسا زماندهی - جوخه های رزمی این امکان را با ما خواهد داد که بنوا نیمه شکل خاصی که مبارزه - توده ها بخود بگذرد، با آما دگی لازم رهبری - آن مبارزه را در دست بگیریم. بویژه در این مورد در مناطق مختلف ابتکار عمل در دست رفقای سازمان دژمان معنای سازماندهی جوخه های رزمی است. آن نیز مبارزه سراسری خلقهای ایران، آن شکل خاص مبارزه رهبری خواهد کرد."

تدارک قیام موسا زماندهی جوخه های رزمی، میتوانستند وظایف سیاسی ما را تحت الشعاع قرار دهد. درحالیکه باید در نظر داشت که این وظیفه کلا در خدمت وظایف سیاسی قرار دارد. عملیات رزمی در شرایط کنونی تنها یک تا کتیک فرعی است و تا کتیکهای سیاسی توده همچنان عمده ترین تا کتیکهای ما محسوب میگردد. سازماندهی جوخه های رزمی نه تنها قوی با وظیفه بسیج

تدارک قیام همچنین مستلزم انعقاد قیام - دادهای رزمی با همه نیروهای انقلابی بویژه دمکراتهای انقلابیست از این رو - با بدبیرا اساس یک پلانتفرم انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت با دمکراتهای انقلابی متحد شویم.

در پایان این بحث لازم میدانیم که بویژه در ارتباط با رفقای هواداران چندی را توضیح دهیم. برخی از رفقای چنین تصور کرده اند که تدارک نظامی قیام موسا زماندهی جوخه های رزمی، میتوانستند وظایف سیاسی ما را تحت الشعاع قرار دهد. درحالیکه باید در نظر داشت که این وظیفه کلا در خدمت وظایف سیاسی قرار دارد. عملیات رزمی در شرایط کنونی تنها یک تا کتیک فرعی است و تا کتیکهای سیاسی توده همچنان عمده ترین تا کتیکهای ما محسوب میگردد. سازماندهی جوخه های رزمی نه تنها قوی با وظیفه بسیج

تدارک قیام همچنین مستلزم انعقاد قیام - دادهای رزمی با همه نیروهای انقلابی بویژه دمکراتهای انقلابیست از این رو - با بدبیرا اساس یک پلانتفرم انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت با دمکراتهای انقلابی متحد شویم.

### رفقا، هواداران!

با تقدیر از حمایت شما در تهیه و ارسال گزارش مبارزات خلق و با تاکید بر نقش ارزنده گزارشات، در انتقاء آگاهانه توده ها، بر چند نکته تاکید داریم. ۱- تاریخ و محل خبر دقیقاً ذکر شود.

۲- موارد منتهی گزارشات با جداگانه نوشته شود و با درپا شین گزارش تذکری مبني بر عدم چاپ مورد فوق ذکر شود. ۳- گزارش خوش طبع و خوانا باشد تا اشتباهی در چاپ بخصوصی خاص می خا می پدید نیاید. ۴- پس از تنظیم خبر مجدداً آنرا مطالعه کنید تا اگر اشتباهی وجود دارد اصلاح شود.

۵- موشق غیر موشق بودن خبر حتماً قید شود.

# اخبار مدارس

تهران - دبیرستان دخترانه حکمت

روز دوشنبه ۶۰/۷/۲۷ دیوار مدرسه را شعارهای انقلابی پوشانده بود. - مزدوران حزب الهی سرا سیمه (انجمن اسلامی) شروع به کندن شعارها کردند و این امر وحشت آنان را از حضور نیروهای انقلابی و شعارهایشان نشان میداد. روز پنجشنبه ۶۰/۷/۲۸ یکی از دانش آموزان را به دفتر خواستند و از او استند که مادرش را به مدرسه بیاورد و هنگامیکه روز شنبه مادر دانش آموز را به مدرسه آوردند - دانش آموز را به او داده و با او به مدرسه شعار نویسی را اجراء کردند البته در این مورد هیچگونه مدرکی ارائه نشد و بر مبنای حدیسات خانگلکار آمد به مدرسه و جاسوس ها پیش این امر صورت گرفت. سایر - دانش آموزان را به بحث از دانش آموزان خارجی با خشم و نفرت مزدوران حزب الهی را بیکدیگر نشان داده و آنها را عامل اخراج این دانش آموز معرفی میکردند. و این همه سیاست کلیه رژیمها - شی است که مرگ خود را نزدیک می بینند. و برای حفظ چند صبا حی از حیات تنگن بین خود به چنین شیوه های رژیمانه ای متوسل میشوند.

گزارشی از یک دبیرستان

صبح سه شنبه ۲۱ مهرماه مدرسه وضعی غیرعادی داشت یکی از هواداران سازمان را که تا بستان دستگیر شده بود اعزام کرده بودند این خیرا اعتراض تمام می مدرسه را برانگیخت. وقتی شاگردان به سرکلاس میروند دبیران از درس دادن خود داری می کنند وقتی زنگ تفریح زده میشود مدیر همه را برای سخنرانی به حیاط میکشاند دانش آموزان با سکوتی یکبارچه بشکل اعتراض با او برخورد میکنند مدیر میگوید "اینجا محیط آموزشی بوده و بسا مسائل بیرون ارتباطی ندارد. بچه ها نباید در مدرسه اتفاقات خارج از مدرسه از خود عکس العمل نشان دهند چون هرآن ممکن است شما را به خاطر فعل و انفعالات در خارج از مدرسه بکشند! اما این درست نیست که هر روز به خاطر این مسائل محیط آموزشی بهم بخورد! پس از مدیر مسئول امور تربیتی پشت میز رفتن میروند که در این موقع دانش آموزان خشم خود را بروز میدهند و او را بشدت هوم میکنند صبحهای مزدور را مورثی بی در میان هوم کردن بچه ها تمام می شود و از گوشه ای چند نفر قریباً دمیزنند برپا خیز، از جا کن، بنای کاخ دشمن" و این عمل را سه بار تکرار می کنند. دانش آموزان با حرکت خود و راه رفتن مداوم این افراد را در بین خود مخفی میکنند تا بدست مزدوران نیفتند. راه رفتن دور حیاط شکل اعتراضی بخود میگردند و دقیقه طول میکشد پس از آن در زنگ بعدی عده ای از دبیران در اعتراض به اعدام فدائی خلق از حضور در کلاس خودداری میکنند. در پایان روز دانش آموزان جمع شده سرودی انقلابی را دسته جمعی میخوانند و بدین طریق اعتراض خود را به اعمال فدا نسانی مزدوران رژیم بیان میکنند.

تبریز - بمب گذاری توسط پاسداران در مدرسه ابتدائی

مدرسه حیدری یکی از مدارس هادی - آباد، صبح روز یکشنبه ۶۰/۷/۲۹ وقتی -

معلمین بر سر کلاس میایند متوجه میشوند صدای تیک تاک ساعت می آید و معلم کلاس میگوید این صدای چیست؟ و چندتا از - معلمین میگویند صدای ساعت است و کسی در سر کلاس ساعت نیست که یکی از معلمین میگوید زیر نیمکت ساعت است. و این ترتیب ۲ بمب ساعتی کشف میشود. بمبها را به حیاط مدرسه میبرند و از بچه ها میخواهند سر کلاس خودشان بیرون دهند طبق اطلاعی که به سپاه داده بودند، سپاه میاید آنها را میبرد.

مدیر مدرسه شاگردها را حاضر و غایب می کند و می بیند یکی از شاگردان آن کلاس غایب است. خدمتگزار مدرسه را بدنبال آن دانش آموز میفرستد و خدمتگزار به خانه دانش آموز رفته و او را با خود به مدرسه می آورد. مدیر مدرسه میبرد سرا به مدرسه نیا مدی میگوید خالم خوب نبود و مدیر میگوید حالت که خوب است راستش را بگو. میگوید عمومی گفت که به مدرسه نرو حالت خوب نیست و عمومی محل را سدا راست. عمومی محل را به مدرسه حاضر میکنند و عمومی میگوید من دیدم حالتش خوب نیست گفتم استراحت کند، مدیر میگوید لااقل به ما اطلاع میدادید که تگسران نیا شیم و جریا ن بمب گذاری را برای وی توضیح میدهد. او میگوید میدانستم، بدلم برات شده بود و مدیر میگوید بدلتان برات شده بود می گفتید لااقل مدرسه را تعطیل می کردیم، عمومی محل میگوید که من میدانستم که بمب گذاری کرده اند. این بحث بیش از جره بین مدیر مدرسه و پاسدار می کشد و سرانجام سپاه میاید و میگوید: خوب الحمدا لله به خیر گذشته است دعوا نکنید، شخص بمب گذاری را پییدا خواهیم کرد.

حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی - برای تحمیل توده ها، می خواهد با بمب گذاری در مدارس و مراکز عمومی ضمن ایجاد دروغ و وحشت چنین وانمود کند که کار نیروهای انقلابی است و حال آنکه همه مردم متوجه شدند که کار سپاه بوده است و معتقد بودند که رژیم میخواست با جبهه ای مثل سینما رکس آبادان بجوید بیاورد. دبیرستان رهنما - یکی از دانش آموزان بسیجی این مدرسه با سلاح وارد مدرسه شده با یکی از دانش آموزان سه مشا جرم میبرد از زده در این میان دانش آموز دیگری دخالت نموده با وی گلاویز میشود و به اعتراض می کند که توجیهی نداری با چنین وضعی با دانش آموزان بز خود نمائی، عنصر بسیجی سلاح خود را به طرف او نشانه میروند که به دخالت مدیر منحرف و قضا به اخراج هر دو ایتمه میاید ولی عنصر بسیجی پس از چند روز به مدرسه باز میگردد و در پاسخ سؤال بچه ها مبنی بر اینکه تورا اخراج کرده بودند چطور دو - برآه آمدی؟ میگوید: من دارای چنان قدرتی هستم که میتوانم حتی مدیر مدرسه را منتقل نمایم.

مشکین شهر

روز ۶۰/۸/۲۷ ساعت ۹ صبح حدود ۱۰۰ اعلامیه زسوی هوا داران سازمان در دبیرستان منوچهری پخش شد. همه دانش آموزان اعلامیه ها را برداشته و میخوانند معلمین حزب الهی فوراً "مدبر و بقیه را خبر کرده و اعلامیه ها را از بچه ها میگردانند و دفتر میبرند اما علیرغم تلاش مذبحان این مزدوران، تمام بچه ها از مضمون اعلامیه مطلع شدند و همه برای یکدیگر از مطالب اعلامیه صحبت میکنند. در دو سه روز دانش آموزان تهران که زیر دست ترین فشارها به وظایف انقلابی خود در قبال خلق عمل میکنند.

مشکین شهر

دانش آموزان دبیرستان دخترانه را زنی با اتعا دو مفاومت یکجا زده خود، اقدامات غیر دمکراتیک و فدا طلبی رئیس مرتجع را در هم شکستند. - روز یکشنبه ۱۲ مهرماه دانش آموزان کلاس ۲ نظری تجربی طی تصمیمی برای اعتراض به برنانه داده شده از طرف آموزش و پرورش بطرف اداره آموزش و پرورش راهپیمایی میکنند. دانش آموزان که تعداد آنها در حدود ۲۷ نفر بود (کل - دانش آموزان کلاس هنگام خروج از مدرسه با ممانعت نگهبانان روبرو میشوند ولی با مقاومت خود، نگهبانان را به کناری زده و در مدرسه را با زکرت و از - مدرسه خارج میشوند. راهپیمایی آرام و بدون شعار بود. در طول راه مردمان آنها علت راهپیمایی را سؤال کرده و آنها نیز توضیح میدادند. در اداره آموزش و پرورش تعدادی از مردم جمع شده و بسا دانش آموزان به گفتگو می نشینند. مدتی بعد، دانش آموزان وارد اتاق تصاون رئیس میشوند. معاون با دستهای لرزان می پرسد برای چی آمده اید؟ بچه ها میگویند برای اعتراض به برنانه داده شده. در جواب میگویند ما این مسئله نمیپسندیم زهر پرود پیش مقدم (رئیس) بچه ها اتاق تصاون را ترک کرده و وارد اتاق رئیس آموزش و پرورش میشوند. - مقدم (رئیس) با حالت ترس و در حالی که خود را گم کرده میگوید "برای چه آمده اید؟ شما اخلاص گروا شو بگردید... اطلاع را ترک کنید، تلفن من کتم با سداران - بسا بیاید. شما چطور جرئت کرده اید به صورت دسته جمعی به این اداره بیاید، چرا در این اداره به شما اجازه ورود داده اید؟ بختنا مه خدا کثرت نفر میخواستند وارد اداره شوند، اینجا را ترک کنید. وی سپس از بچه ها خواست که اسامی شان را بگویند و با دیدن مقاومت بچه ها بل تهدید - های خود، به مدرسه تلفن زده و از مدیر خواستار دفتر نمیره کلاس شد. و به معاون و مدیر مدرسه (پشت تلفن) ابرخاش کرد که چرا اجازه داده اید اینجا از مدرسه خارج شوند. بچه ها تصمیم میگیرند برای جلوگیری از آوردن دفتر کلاس، خود اسامی شان را بگویند. رئیس درحالیکه اسامی را می نوشت گفت: "در میان شما فدائی خلق و مجاهد خلق است اینها محرکند، آنها را معرفی کنید" بچه ها با صدای یکبار چسه گفتند: "ما محرک دریم ما اعتراض داریم". مقدم با مشاهده مقاومت بچه ها دانش آموزان میگوید: "تا اطلاع ثانوی از مدرسه اخراج هستید" و از آنها میخواهد که اداره را ترک کنند و تهدید میکند که اسامی سداران را خبر خواهد کرد. بچه ها با اصرار کارمندان اداره دست از مقاومت کشیده و اداره را ترک میکنند. بعد از ترک اداره به مدرسه مراجعه میکنند ولی آنجا از ورود آنها به مدرسه توسط نگهبانان ممانعت میشود. بچه ها تصمیم میگیرند که خانه داده - های خود را به اداره ببرند. اکثر خانه داده ها فیرا در مقابل در راه جمع میشوند ولی از ورود آنها به اداره جلو گیری میشود فقط ۳ نفر حق ورود پیدا میکنند. معاون رئیس از طرف رئیس اعلام می کند که در تاریخ ۲۲ مهرماه در ساعت ۴ بعد از ظهر در مدرسه جمع شود. روز ۲۲ مهرماه ساعت ۴ رئیس با ۲ پاسدار مسلحاً در مدرسه میشود. دانش آموزان نیز حضور داشتند. رئیس همچنان مسئله معرفی می کند را از بچه ها درخواست میکرد. بچه ها ضمن اعتراض بی توجهی بمب گذاری

اخبار مدارس

بقیه از صفحه ۱۳

خود را نسبت به تهدیدهای رئیس نشان میدادند. بالاخره رئیس، ۵ نفر از اخراجی ها را خواند وقتی با اعتراض و مقاومت بچه ها روبه رو شد، برای تفرقه افکنی به بچه های اخراجی گفت "که آنها محرمانه شما را معرفی کرده اند حال اگر شما محرک را معرفی کنید، شما را اخراج نمیکنم" در جواب بچه های اخراجی سکوت کرده و بقیه به اعتراض خود ادامه دادند. رئیس اینبار رو به بچه های اخراج نشده کرد و گفت: "حالا بگوئید آیا آنها محرک هستند یا نه؟ شما را که اخراج نکردم. دانش آموزان که به ما هیت و واقعی رئیس پیش از پیش پی برده بودند با صدای بکبار چرخه اعلام کردند "حتی یک نفر نباید اخراج شود" رئیس در مقابل صفوف یکپارچه و مقاومت بچه ها مجبور شد اخراج ۵ نفر را منتفی اعلام کند. بالاخره دانش آموزان توانستند جلوی اخراج بچه ها را گرفته و به بخشی از خواسته های خود که حذف معلمی بنام عبدالمجید پور (معاون پاسداران رئیس دادگاه...) زبیرنا مودری خود برسد.

ارومیه

روز سه شنبه ۱۲ تیرماه در هنرستان دخترانه زورورده دانش آموزان دختر - اقلیت های مذهبی (ارمنی و آسوری) بدلیل دیده شدن قسمتی از موهایشان از زیربوسری جلوگیری بعمل میاورند. در پاسخ به این حرکت ارتجاعی مسئولان مدرسه حدود ۸۰ نفر از دانش آموزان - ارمنی و آسوری دست به تهنیت میزنند.

انجمن های اسلامی در مدارس برای جلوگیری از آگاهی و تشکل دانش آموزان مثل سنگ بهر سومی دوند، در شهر سراب انجمن اسلامی دبیرستان فردوسی مرکز وستا دجاسوسی برای مدارس میباید.

حلقه های قهرمان...

بقیه از صفحه ۲

اینک هر چند رژیم نیرد مرگ و زندگی خود را از زمان داده است، جنگی را آغاز کرده که برایش راه برگشت ندارد. اما مساهنه ها هنوز در حال تدارک جنگند و خود را جهت نیرد بزرگ نمیا میکنند. از اینرو ما تبلیغ در میان توده ها را چندپسین برای برمیکنیم، فعالیت تشکیلاتی خود را گسترش می دهیم، نیرویمان را جهت ایجاد دستجات انقلابی و رزمنده بکبار می بندیم، توده ها را سازمان می دهیم و به انقلاب فرا میخوانیم، آنگاه است که رود عظیم خلق به دریا ی انقلاب جاری میشود، آنگاه خواهیم دید که آیا بانهای سیا و رژیم، نیروهای سرکوبگر سرما به سه پاسداران مزدور و رگانهای مسلح ضد خلق قادر خواهند بود جلوی انقلاب را سد کنند، آنگاه خواهیم دید، آیا فدا انقلاب قادر خواهد بود قانون خود را برپا نگه دارد، شکی نیست که انقلاب پیروز است. و توده ها قانون خود را خواهند ساخت. قانونی که بر قهر خلق آنگاه دارد.

نمایش عزاداری

دروندان اوین

هفته گذشته برنا مه با مطلع عزادان در زندان اوین از تلوویزیون پخش شد این نمایش بوضوح نشان میداد که گرچه رژیم تلاش نموده است تا تعدادی تا دم و پیشیمان را گرد آورده اما در این مورد با کمبود مواجه بوده و به همین جهت مجبور شده است تا برای نشان دادن جمعیت بیشتر، تعدادی از زندانین انقلابی را نیز بر سر نیزه و قضا روتهدید و او را بر سر حضور در مراسم نماید. این مرد در شیوه برخورد زندانین با این اشعار و چهره معلوم آنان بخوبی نمایان بود. یکی از زندانین بی توجه به برنا مه نما پشی و فرمایشی، نمازش را میخواستند و تعداد زیادی از آنان شاعران را تکرار میکردند گرچه رژیم، مزدوران را برای کنترل زندانین بکارگمارده بود و چهره پاسداران مزدور در اطراف جمعیت همچون سگان درنده، زندانین را تحت کنترل داشتند و در فیلم بوضوح قابل رویت بود، اما فرزندان دلیر خلق در لابلای نا دمین و ما مورین رژیم همچون شمعی فروزان قابل تشخیص بودند و این شکست بزرگی برای رژیم بود. این برنا مه بی شبات به نما پشات مسخره شاه جلاد در مراسم ۴ تیر در زندان ها نبود و تنها تقاضای آن این بود که برده فریبنده های بنا نام عزاداری عاشورا بر آن نهاده شده بود و این برده تزویج نیز با اشعارهایی که هیچ ارتباطی به عاشورا نداشت در دیده می شد. اما این تلاشهای مذبحها به رژیم و شبات بی گران آن با ترفندهای شاه، بیش از پیش چهره کربها کمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی را به نما پش گذارد.

همچنین سپاه پاسداران کلاسهائی برای تربیت جاسوس تشکیل داده است و آنها را آموزش میدهند. روزی یکی از پاسداران جاسوس ها گزارش یکی از دبیران مدرسه را به انجمن ها و مدیر مدرسه داده بود. روز بعد دبیر مربوطه سر کلاس آمد و شروع به صحبت کرد و گفت: "دانش آموزان آیا من حرفی بنویس از کتاب شما گفته ام" و بعد گفت یکی از بچه ها به مدیر گفته که من فدا انقلابی هستم... سپس ادا مده داد "من بیوقلمون مفت نیستم که هر روز جلد عوض کنم. من از ساواک نمیترسم. اکنون از مدیر مدرسه که پاسدار می باشد هم نمیترسم. من در راه عقیده ام، در راه - حقیقت، در راه آزادی با آغوش باز - گلکوله های سربی را می پذیرم ولی با خون و دین اسلام بر آزادی را نمیویسم... من وظیفه ام را انجام میدهم. وظیفه من خدمت به دانش آموزانست. من با بدبها بسن خلق خدمت کنم. چون با پول این خلق درس خوانده ام و بزرگ شده ام. برادران اگر این سنگ را از من بگیرند، در سنگر دیگری به شما خدمت می کنم..." بعدا "دبیر تبسمی کرد و گفت "این خنده مرا که می بینید از گریه بدتر است، اما چه کنیم، با پاسداران رزوه کرد."

بچه های کلاس را آنچنان شورو هیجان برده گرفته بود، آنچنان دلشان از کینه پر شده بود که یک جره جورا عوض میکرد. همه با شورو احساسات به هم میگفتند اگر معلم ما را بیرون کنند اعتماد ما میکنیم. دانش آموزان به جاسوس پاسدار که غایب بود فحش می دادند. همین جریان در یکی از کلاس های دیگر تکرار شده بود. میتوان گفت که دانش آموزان واقعا "زاین اقدامات انجمن اسلامی متنفر شده اند و هر روز انتظار با این عمر کشیف ایسن جاسوس را میکنند. تاریخ خبر / اواخر مهر ۶۰

شهادت مبرماه

بقیه از صفحه ۱۷

مدینه توکلی	۶۹۶
سید احمد فرشیگی	۶۹۷
احمد شوکتی	۶۹۸
رحمت اله گلج	۶۹۹
مریم تقری	۷۰۰
مهین محرابی کنده فر	۷۰۱
علی اکبر اکبری	۷۰۲
محمد حسین حجتی	۷۰۳
مرتضی همتی	۷۰۴
منوچهر فدائی	۷۰۵
محمود مروتیان	۷۰۶
احمد کبانی فدائی خلق	۷۰۷
جاوید سما نکش بیکسار	۷۰۸

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به جای فراهم کردن کار و مسکن برای زحمتکشان، اتوبوسها را زاناه مردانه میکند. کودکان بی گناه که زنده زنده در آتش میسوزانند.

در شرایطی که بارگانی، بیگاری و کمبود ارزاق عمومی در دوش کارگران و زحمتکشان جامعه سنگینی میکند و هر روز برونسخت و ابعاد آن افزوده میگردد، رژیم جانتکار و تاذ خلقی جمهوری اسلامی دست به عمل ارتجاعی دیگری زده و با اصلاح خوش اتوبوسها را نیز اسلامی کرده است.

نیمه ای عمل قرون وسطایی این است که بجای اینکه کارگران و زحمتکشان انقلابی میبمانند روزی کار و زندگی آنها برسد، مدت های طولانی از رای باید در ایستگاه باشند و معطل اتوبوس شوند، چرا که قسمت زاناه اتوبوس طبق معمول اکثر آخال است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در رأس آن عیبتی که دست بعین هراتان از بهترین جوانان انقلابی کشورمان آفشته است. از فرستادن نیز نگذشته و آنرا بفرستادن کویستها، مجاهدین و حزب الهیها تقسیم کرده است. صلی که رژیم وابسته شاه آمریکائی از انجمن آن وحشتناک داشت رژیم جمهوری اسلامی که میداند به پایان عمر تنگنیش نزدیک شده است و بطریق سریش گذاشتن رنجانات و اعدایان دسجیمی بی شمارش که روی مسخره و خنجر را میدکده است، با به آتش کشیدن اتوبوسها و خنجر کردن کارگران و گناه خوار است اعمال جانتکارانه اش را در سوره انقلابیون و نیز بارانهای بدون محاسبه نتیجه نموده و از این طریق چند صاعی دیگر به ماکتبت خویشار اوامه دهد. اما زنی خیال مظلوم زحمتکشان ما با این قبیل جنایاتی که از رژیم محسوس بهاری بهمانه ببارت رسیده بخوبی آشنا بوده و به یاد دارند که دولت شاه نیز در اواخر عمر تنگنیش مکتونه به چنین جنایاتی دست میزد و گناه آنرا به گردن انقلابیون میانه است.

هوسوفتان انقلابی: فریب نرفتندها و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم را بخورید و از هر طریق کمینواید شیوه های ارتجاعی اعمال جانتکارانه آنرا افشاء نماید. مرکز برامیرایم ایران و پناهگاه دانش کارگران و پیرو هواته سازان بریکهای فدائی خلق ایران ۱۳۶۰/۷/۲۷

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰  
سال سوم - شماره ۱۳۶ صفحه ۱۶

بیان جنایات جنودهای اعدا

زوم خمینی

شیرما ۱۵۰۰ مردان اعدا ۲۰۰۰ شهروان -  
ماه شهری ماه ۷۰۰ اعدا می

هر شب ستاره ای به زمین می‌گفتند و باز

این آسان فرود غرق ستاره‌ها است  
از هنگامیکه موج اعدا می‌آید چنانچه  
سرمه‌های دا شتابت مطبق آسان  
منتشره طرف غور و زیم که ما بطور ما می‌شد  
آنها منتشر کردیم بن سیرموی به‌طور  
تسا اعدا آفرین با شتابت اگرد و شمس  
ما اعدا دا اعدا ما حدود ۱۵۰ نفر بود در  
مردا دما این رقم به ۲۰۰ نفر رسیدی و  
برابر بر شهر بیورما منتظر با راه بر  
در مهر ما به هفتصد نفر یعنی روزانه سه  
۲۵ نفر رسیدی بهر گشت می‌توان گفت که چنین  
اعدا می‌با چنین شتاب فرزندهای  
۲۰ شیبستی ترین رژیمها می‌باشد اعدا  
است این چنانچه اعدا می‌توان با  
چنانچه اعدا شیبستی هینتر آید در  
را پسین دما شتابت هنگامی که گشت خود  
را قطع می‌کنند دست به کشتار می‌زنند  
آسان و زندانیان سیاسی زندانها می‌کشد  
کرد رژیم خمینی و بر مردم ایران با  
بدا ننگه در شیبستی روزی که خون این  
شهادت می‌پوشد و چون سبلی بنیان کن  
بنیان ما گمان را از خاکشده و تا روپوشان  
را با یونسازد

۱ علی مطلبی اعلام نشده  
۲ محمد طواف  
۳ محمد نوروزی  
۴ عبدا لله رحمان یکتا

۵ روحس حجت مقبلی  
۶ جلال ستانکیان  
۷ سید عبداللہ راستگو  
۸ محمد ابراهیم  
۹ قربا نوروزی  
۱۰ اسمعیل کزانی  
۱۱ رحمان چشمتی  
۱۲ باقر شمس‌الدینی

۱۳ حبیب اللہ میا شری  
۱۴ محمد حسین کابری اعلام نشده  
۱۵ محمد قلعه‌با  
۱۶ ابوالقاسم مهدی ارجا همدین غلط  
۱۷ زی زاده  
۱۸ عبدالرضا خرسندی اعلام نشده

۱۹ شریف با راهمی  
۲۰ داد و دیه‌ها دی  
۲۱ غلام عباس سبک  
۲۲ غلیل ابوالحسنی  
۲۳ رفقا تهرانی  
۲۴ رفقا دهکلی  
۲۵ علیرضا شمس  
۲۶ بهزاد همکار  
۲۷ عبدا لرحمن کزانی  
۲۸ حسن پیربانی

۲۹ جان پناهی  
۳۰ عزیزه غوری  
۳۱ اکبر چشمتی  
۳۲ مدینه بیانی  
۳۳ محمد حسین آزاده  
۳۴ رفقا آذربایجان

۳۵ قنبر علی پاکزاد  
۳۶ امیر فلاح  
۳۷ سید عباس موسویان  
۳۸ محمد مداح  
۳۹ علیرضا تاج‌مندی  
۴۰ نا مرصینی

۴۱ محمد علی مالک‌الکتاب ارجا همدین غلط  
۴۲ علی اصرا ما  
۴۳ سید احمد جنت‌نورانی  
۴۴ علیرضا نفیسی اعلام نشده  
۴۵ سعادت‌الما  
۴۶ سید عباس موسویان  
۴۷ سید عباس موسویان  
۴۸ سید عباس موسویان  
۴۹ سید عباس موسویان  
۵۰ سید عباس موسویان  
۵۱ سید عباس موسویان  
۵۲ سید عباس موسویان  
۵۳ سید عباس موسویان  
۵۴ سید عباس موسویان  
۵۵ سید عباس موسویان  
۵۶ سید عباس موسویان  
۵۷ سید عباس موسویان  
۵۸ سید عباس موسویان  
۵۹ سید عباس موسویان  
۶۰ سید عباس موسویان

۵۵	حسن احمدی	۱۲۹	محمد خمینی
۵۶	حسن احمدی قیام	۱۳۰	نصا اله کوهرا نی
۵۷	منصور هدا بت زاده	۱۳۱	مرتضی نجف
۵۸	غلام‌حسین زاده	۱۳۲	چا سبختی سعید
۵۹	ابدا له شروش	۱۳۳	مهران تقا می
۶۰	جلال خیری	۱۳۴	حسین ما دلی
۶۱	محمد تقی محدبوز	۱۳۵	امیرتوکلی
۶۲	رحمت حسینی	۱۳۶	علیرضا جاسی منش بیگلر
۶۳	غلام‌حسین عبداللہ پورسیا	۱۳۷	دا وندتوسلی
۶۴	مهدی مظفری	۱۳۸	شهرزاد سولگی
۶۵	ابراهیم تبارولی اله میسی	۱۳۹	ابرا ن عزیزی
۶۶	محمد تقی	۱۴۰	مهین با فکار
۶۷	مسعود ریحانی	۱۴۱	زهرا کفر دار
۶۸	نادر باقری	۱۴۲	نورین خدا پختی
۶۹	جمیل شیری	۱۴۳	شیرا ز احمد محمدی
۷۰	کریم فتن	۱۴۴	ابوا لفضل عبداللہ طلی
۷۱	محمد تقی اسکوشی	۱۴۵	محمد جعفری بابا احمدی
۷۲	ابرا قیل خدا می	۱۴۶	علی ونگی
۷۳	محمد حسین برهانی	۱۴۷	حسن ابرانی
۷۴	غلامرضا مهدی	۱۴۸	مجتبی ربیعی
۷۵	محمد علی چدی	۱۴۹	تا مراهی
۷۶	هما یون پرومند	۱۵۰	فیروز زلف زاده
۷۷	علی انصاری	۱۵۱	فرخا دا مین
۷۸	محمد علی پورچا	۱۵۲	علی قلی زاده
۷۹	محمد علی پورچا	۱۵۳	احمد حسینی
۸۰	مفر علی رنجوری	۱۵۴	حسن سنجری
۸۱	علی خالقی با رنجی	۱۵۵	مهیدا ابوالحسنی
۸۲	محمد کلهری	۱۵۶	گیتا علی شاهمی
۸۳	غلیل خا مد	۱۵۷	فریبا قدوسی
۸۴	جواد دیا قرا کوشی	۱۵۸	سودا به‌باک
۸۵	امیرتوسری	۱۵۹	سروا ز کبیری
۸۶	جلال حق مهدی	۱۶۰	قدرت ادا میرلو
۸۷	سید لقا می	۱۶۱	بیژن حسن زاده
۸۸	جعفر درختان	۱۶۲	پروین خان محمدی
۸۹	شیرا ابوالحسنی	۱۶۳	حسین گلکلی با رشی
۹۰	اکبر بهبهانی پورسی	۱۶۴	محمد ملاحینی
۹۱	ابراهیم محمودی	۱۶۵	افسانه زنجوری
۹۲	حسین مهدی	۱۶۶	فاطمه درودی
۹۳	مهیدا ارجا کجا با دی	۱۶۷	حوری درودی
۹۴	علی اسلانی	۱۶۸	عباس قلی
۹۵	بهرا محدا دیا	۱۶۹	علی غلامی
۹۶	رسول پورسی	۱۷۰	قاسم شمسان
۹۷	بابک آقا با غلو	۱۷۱	رویا قربان زاده
۹۸	غلامرضا گلپین	۱۷۲	سیف‌الهد نور محمدی
۹۹	موسی دا وری	۱۷۳	مرتضی امامی
۱۰۰	اسحاق قیوملی	۱۷۴	محمد پور
۱۰۱	حسین علیرضا	۱۷۵	احمد لسا قلی
۱۰۲	رحمت تهرانی	۱۷۶	مهیدا قلی
۱۰۳	فرها دفا پور	۱۷۷	عباس ما لعی
۱۰۴	بدا له رفاهی	۱۷۸	ابراهیم درختی
۱۰۵	محمد رفقا شتابان	۱۷۹	مهدی شمس‌الجلیل زاده
۱۰۶	علی با زقا	۱۸۰	ابراهیم قربان پور
۱۰۷	سعاد انا شنگاری	۱۸۱	احمد سعیدی
۱۰۸	مهدی فرهاد	۱۸۲	مفرا فرها دی
۱۰۹	احمد زبیری	۱۸۳	ابراهیم هراتی
۱۱۰	رسول با ستوران	۱۸۴	محمد تقی معازنی
۱۱۱	علی برکتان	۱۸۵	سید مرتضی عابدینی
۱۱۲	رفقا نواب	۱۸۶	محمد حسین حسینی
۱۱۳	احمد ادا دخواه	۱۸۷	علی نجاری
۱۱۴	بهمن کارگر	۱۸۸	سودا هری
۱۱۵	مظفر حسینی	۱۸۹	زینا سیاب
۱۱۶	فضل آلله مرفعی	۱۹۰	محمد رفقا شریف رازی
۱۱۷	امیرا پرویش باک	۱۹۱	محمد جعفری
۱۱۸	عرفت علیقله سلطانی	۱۹۲	شیرا زبیبی
۱۱۹	سیدا میرجیدی	۱۹۳	مژگان چشمتی
۱۲۰	سیا مگ‌ها دی پور	۱۹۴	زهرا پریان
۱۲۱	دا وود میر عباسی	۱۹۵	محمد تقی بیگلرلی
۱۲۲	رفقا پهلوانی	۱۹۶	پروین گلانی
۱۲۳	با فردرچه زاد	۱۹۷	بهجت حیدری
۱۲۴	مهیدا شفا می	۱۹۸	حسین اکبری
۱۲۵	مرتضی شفا می	۱۹۹	سوسن مدالدا کربین
۱۲۶	محمد ادا دخواست	۲۰۰	حسین شمس‌زاده
۱۲۷	رفقا شفا علی سراجی	۲۰۱	شفا قربا دی
۱۲۸	محمد کا شفا	۲۰۲	شیرا زبیبی
۱۲۹	جواد دمغسی	۲۰۳	مژگان چشمتی
۱۳۰	پروین پورسی	۲۰۴	زهرا پریان
۱۳۱	عبدا له شفا می آژوانی	۲۰۵	محمد تقی بیگلرلی
۱۳۲	علی جبا رازع	۲۰۶	پروین گلانی
۱۳۳	حسن حسینی	۲۰۷	بهجت حیدری
۱۳۴	احمد ادا دخواست	۲۰۸	حسین اکبری
۱۳۵	سید مودتقیان	۲۰۹	سوسن مدالدا کربین
۱۳۶	کریم آقا با شفا	۲۱۰	حسین شمس‌زاده
۱۳۷	سوخه‌وا رفاهی	۲۱۱	شفا قربا دی
۱۳۸	محمد غلامی	۲۱۲	شیرا زبیبی
۱۳۹	مظفری سراجی	۲۱۳	مژگان چشمتی
۱۴۰	سید حسن پور	۲۱۴	زهرا پریان
۱۴۱	مظفری با دی	۲۱۵	محمد تقی بیگلرلی
۱۴۲	گوروش کورنای	۲۱۶	پروین گلانی
۱۴۳	نصرت آلله سعیدی	۲۱۷	بهجت حیدری
۱۴۴	محمد علی	۲۱۸	حسین اکبری
۱۴۵	محمد سعید گلر	۲۱۹	سوسن مدالدا کربین
۱۴۶	نصرت آلله کوهرا نی	۲۲۰	حسین شمس‌زاده
۱۴۷	محمد علی	۲۲۱	شفا قربا دی
۱۴۸	اکبر منتظری	۲۲۲	شیرا زبیبی



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۲۳۸	محمدتقی زما	۲۳۸	محمدتقی زما	۲۳۸	محمدتقی زما
۲۳۹	عباس با رحمدی	۲۳۹	عباس با رحمدی	۲۳۹	عباس با رحمدی
۲۴۰	اسمعیل بیدهشوری	۲۴۰	اسمعیل بیدهشوری	۲۴۰	اسمعیل بیدهشوری
۲۴۱	زهره بیدهشوری	۲۴۱	زهره بیدهشوری	۲۴۱	زهره بیدهشوری
۲۴۲	سعید احمدی لاری	۲۴۲	سعید احمدی لاری	۲۴۲	سعید احمدی لاری
۲۴۳	کرامت قبادی	۲۴۳	کرامت قبادی	۲۴۳	کرامت قبادی
۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲
۲۴۴	محمدشیرین	۲۴۴	محمدشیرین	۲۴۴	محمدشیرین
۲۴۵	سیدمحمد رنگ	۲۴۵	سیدمحمد رنگ	۲۴۵	سیدمحمد رنگ
۲۴۶	حمدا لوتفهدل آقاچقا	۲۴۶	حمدا لوتفهدل آقاچقا	۲۴۶	حمدا لوتفهدل آقاچقا
۲۴۷	احمدفتار	۲۴۷	احمدفتار	۲۴۷	احمدفتار
۲۴۸	نعمتاله بیوهفتا	۲۴۸	نعمتاله بیوهفتا	۲۴۸	نعمتاله بیوهفتا
۲۴۹	احمدرضا رحیم شای	۲۴۹	احمدرضا رحیم شای	۲۴۹	احمدرضا رحیم شای
۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲
۲۵۰	سهراب ماری	۲۵۰	سهراب ماری	۲۵۰	سهراب ماری
۲۵۱	اکبرپنجه پور	۲۵۱	اکبرپنجه پور	۲۵۱	اکبرپنجه پور
۲۵۲	عبدا لکیمپور	۲۵۲	عبدا لکیمپور	۲۵۲	عبدا لکیمپور
۲۵۳	شاهرخ نقاری	۲۵۳	شاهرخ نقاری	۲۵۳	شاهرخ نقاری
۲۵۴	زاهدنجا دی	۲۵۴	زاهدنجا دی	۲۵۴	زاهدنجا دی
۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲	۶۰/۷/۱۲
۲۵۵	محمدتقی	۲۵۵	محمدتقی	۲۵۵	محمدتقی
۲۵۶	سید ناصر حسینی	۲۵۶	سید ناصر حسینی	۲۵۶	سید ناصر حسینی
۲۵۷	یوسف خانی	۲۵۷	یوسف خانی	۲۵۷	یوسف خانی
۲۵۸	کاظم عقدا	۲۵۸	کاظم عقدا	۲۵۸	کاظم عقدا
۲۵۹	احمدرضا دیگرا	۲۵۹	احمدرضا دیگرا	۲۵۹	احمدرضا دیگرا
۲۶۰	احمدفتاداری	۲۶۰	احمدفتاداری	۲۶۰	احمدفتاداری
۲۶۱	فرشیدراجی	۲۶۱	فرشیدراجی	۲۶۱	فرشیدراجی
۲۶۲	فریده خانی	۲۶۲	فریده خانی	۲۶۲	فریده خانی
۲۶۳	مهنای زبانی	۲۶۳	مهنای زبانی	۲۶۳	مهنای زبانی
۲۶۴	موش جوکار	۲۶۴	موش جوکار	۲۶۴	موش جوکار
۲۶۵	عبدا لکیمپور	۲۶۵	عبدا لکیمپور	۲۶۵	عبدا لکیمپور
۲۶۶	عبدا لکیمپور	۲۶۶	عبدا لکیمپور	۲۶۶	عبدا لکیمپور
۲۶۷	اسما عیال	۲۶۷	اسما عیال	۲۶۷	اسما عیال
۲۶۸	علی سیر	۲۶۸	علی سیر	۲۶۸	علی سیر
۲۶۹	سپاسک خرم تولایی	۲۶۹	سپاسک خرم تولایی	۲۶۹	سپاسک خرم تولایی
۲۷۰	کاظمها مدوست	۲۷۰	کاظمها مدوست	۲۷۰	کاظمها مدوست
۲۷۱	علی وثاق	۲۷۱	علی وثاق	۲۷۱	علی وثاق
۲۷۲	مهدی خانزاده	۲۷۲	مهدی خانزاده	۲۷۲	مهدی خانزاده
۲۷۳	محمودرضا امیری	۲۷۳	محمودرضا امیری	۲۷۳	محمودرضا امیری
۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸
۲۷۴	ما شهباز	۲۷۴	ما شهباز	۲۷۴	ما شهباز
۲۷۵	محمودشیری	۲۷۵	محمودشیری	۲۷۵	محمودشیری
۶۰/۷/۱۶	۶۰/۷/۱۶	۶۰/۷/۱۶	۶۰/۷/۱۶	۶۰/۷/۱۶	۶۰/۷/۱۶
۲۷۶	محمودشیری	۲۷۶	محمودشیری	۲۷۶	محمودشیری
۲۷۷	علی محمدنژاد	۲۷۷	علی محمدنژاد	۲۷۷	علی محمدنژاد
۲۷۸	میرمحمدتقی	۲۷۸	میرمحمدتقی	۲۷۸	میرمحمدتقی
۲۷۹	فاطمه روشنچی	۲۷۹	فاطمه روشنچی	۲۷۹	فاطمه روشنچی
۲۸۰	عزتاله معلم	۲۸۰	عزتاله معلم	۲۸۰	عزتاله معلم
۲۸۱	سیدربیع حسینی	۲۸۱	سیدربیع حسینی	۲۸۱	سیدربیع حسینی
۲۸۲	رفشان قربانی	۲۸۲	رفشان قربانی	۲۸۲	رفشان قربانی
۶۰/۷/۲۵	۶۰/۷/۲۵	۶۰/۷/۲۵	۶۰/۷/۲۵	۶۰/۷/۲۵	۶۰/۷/۲۵
۲۸۳	فاطمه شهباز	۲۸۳	فاطمه شهباز	۲۸۳	فاطمه شهباز
۲۸۴	حسن تریابی	۲۸۴	حسن تریابی	۲۸۴	حسن تریابی
۲۸۵	برائتمنلی قلی پور	۲۸۵	برائتمنلی قلی پور	۲۸۵	برائتمنلی قلی پور
۲۸۶	فاطمه حسینی پور	۲۸۶	فاطمه حسینی پور	۲۸۶	فاطمه حسینی پور
۲۸۷	رشت	۲۸۷	رشت	۲۸۷	رشت
۲۸۸	سکینه خانی	۲۸۸	سکینه خانی	۲۸۸	سکینه خانی
۲۸۹	یداله بهشت	۲۸۹	یداله بهشت	۲۸۹	یداله بهشت
۲۹۰	تنکا بهروزشاهی	۲۹۰	تنکا بهروزشاهی	۲۹۰	تنکا بهروزشاهی
۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸	۶۰/۷/۱۸
۲۹۱	کرمانشا	۲۹۱	کرمانشا	۲۹۱	کرمانشا
۲۹۲	امیرسپاسک	۲۹۲	امیرسپاسک	۲۹۲	امیرسپاسک
۲۹۳	جلیل سلیمان	۲۹۳	جلیل سلیمان	۲۹۳	جلیل سلیمان
۲۹۴	جعفر مرادی	۲۹۴	جعفر مرادی	۲۹۴	جعفر مرادی
۲۹۵	کیومرث پروا	۲۹۵	کیومرث پروا	۲۹۵	کیومرث پروا
۲۹۶	عبدا لکیمپور	۲۹۶	عبدا لکیمپور	۲۹۶	عبدا لکیمپور
۲۹۷	جمال پرنده	۲۹۷	جمال پرنده	۲۹۷	جمال پرنده
۲۹۸	قدرت نجفی	۲۹۸	قدرت نجفی	۲۹۸	قدرت نجفی
۲۹۹	محمدرضا میرزایی	۲۹۹	محمدرضا میرزایی	۲۹۹	محمدرضا میرزایی
۳۰۰	جواد دغا	۳۰۰	جواد دغا	۳۰۰	جواد دغا
۳۰۱	سکینه اله وردی	۳۰۱	سکینه اله وردی	۳۰۱	سکینه اله وردی
۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹
۳۰۲	محمدتقی	۳۰۲	محمدتقی	۳۰۲	محمدتقی
۳۰۳	حسن کیلانی	۳۰۳	حسن کیلانی	۳۰۳	حسن کیلانی
۳۰۴	عبدا لکیمپور	۳۰۴	عبدا لکیمپور	۳۰۴	عبدا لکیمپور
۳۰۵	حسن داوودی	۳۰۵	حسن داوودی	۳۰۵	حسن داوودی
۳۰۶	غلامرضا طریقی	۳۰۶	غلامرضا طریقی	۳۰۶	غلامرضا طریقی
۳۰۷	ابراهیم آقاچقا	۳۰۷	ابراهیم آقاچقا	۳۰۷	ابراهیم آقاچقا
۳۰۸	غلامرضا طریقی	۳۰۸	غلامرضا طریقی	۳۰۸	غلامرضا طریقی
۳۰۹	علیرضا شهباز	۳۰۹	علیرضا شهباز	۳۰۹	علیرضا شهباز
۳۱۰	حسن عطیعی	۳۱۰	حسن عطیعی	۳۱۰	حسن عطیعی
۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۹
۳۱۱	محمدحسین	۳۱۱	محمدحسین	۳۱۱	محمدحسین
۳۱۲	دزفول	۳۱۲	دزفول	۳۱۲	دزفول
۳۱۳	مرتضی بهزادی	۳۱۳	مرتضی بهزادی	۳۱۳	مرتضی بهزادی
۶۰/۷/۲۲	۶۰/۷/۲۲	۶۰/۷/۲۲	۶۰/۷/۲۲	۶۰/۷/۲۲	۶۰/۷/۲۲
۳۱۴	مهدی عباسشکر	۳۱۴	مهدی عباسشکر	۳۱۴	مهدی عباسشکر
۳۱۵	بیژن بندگزی	۳۱۵	بیژن بندگزی	۳۱۵	بیژن بندگزی
۳۱۶	محمد امین تریابی	۳۱۶	محمد امین تریابی	۳۱۶	محمد امین تریابی
۳۱۷	حسن بشیری	۳۱۷	حسن بشیری	۳۱۷	حسن بشیری
۳۱۸	فاطمه رخ بسین	۳۱۸	فاطمه رخ بسین	۳۱۸	فاطمه رخ بسین
۳۱۹	عبدا لکیمپور	۳۱۹	عبدا لکیمپور	۳۱۹	عبدا لکیمپور
۳۲۰	عباس مکاری	۳۲۰	عباس مکاری	۳۲۰	عباس مکاری
۳۲۱	محمدعبدالزاده	۳۲۱	محمدعبدالزاده	۳۲۱	محمدعبدالزاده
۳۲۲	ناصر مرادی	۳۲۲	ناصر مرادی	۳۲۲	ناصر مرادی
۳۲۳	فتحاله فرید	۳۲۳	فتحاله فرید	۳۲۳	فتحاله فرید
۳۲۴	حبیباله عیالی	۳۲۴	حبیباله عیالی	۳۲۴	حبیباله عیالی
۳۲۵	محمد فیروزی	۳۲۵	محمد فیروزی	۳۲۵	محمد فیروزی
۳۲۶	محمد عطیعی	۳۲۶	محمد عطیعی	۳۲۶	محمد عطیعی
۶۰/۷/۲۱	۶۰/۷/۲۱	۶۰/۷/۲۱	۶۰/۷/۲۱	۶۰/۷/۲۱	۶۰/۷/۲۱
۳۲۷	نسیان پور	۳۲۷	نسیان پور	۳۲۷	نسیان پور
۳۲۸	زین العابدین	۳۲۸	زین العابدین	۳۲۸	زین العابدین
۳۲۹	محمدتقی	۳۲۹	محمدتقی	۳۲۹	محمدتقی
۳۳۰	محمدتقی	۳۳۰	محمدتقی	۳۳۰	محمدتقی
۳۳۱	محمدتقی	۳۳۱	محمدتقی	۳۳۱	محمدتقی
۳۳۲	محمدتقی	۳۳۲	محمدتقی	۳۳۲	محمدتقی
۳۳۳	محمدتقی	۳۳۳	محمدتقی	۳۳۳	محمدتقی
۳۳۴	محمدتقی	۳۳۴	محمدتقی	۳۳۴	محمدتقی
۳۳۵	محمدتقی	۳۳۵	محمدتقی	۳۳۵	محمدتقی
۳۳۶	محمدتقی	۳۳۶	محمدتقی	۳۳۶	محمدتقی
۳۳۷	محمدتقی	۳۳۷	محمدتقی	۳۳۷	محمدتقی
۳۳۸	محمدتقی	۳۳۸	محمدتقی	۳۳۸	محمدتقی
۳۳۹	محمدتقی	۳۳۹	محمدتقی	۳۳۹	محمدتقی
۳۴۰	محمدتقی	۳۴۰	محمدتقی	۳۴۰	محمدتقی
۳۴۱	محمدتقی	۳۴۱	محمدتقی	۳۴۱	محمدتقی
۳۴۲	محمدتقی	۳۴۲	محمدتقی	۳۴۲	محمدتقی
۳۴۳	محمدتقی	۳۴۳	محمدتقی	۳۴۳	محمدتقی
۳۴۴	محمدتقی	۳۴۴	محمدتقی	۳۴۴	محمدتقی
۳۴۵	محمدتقی	۳۴۵	محمدتقی	۳۴۵	محمدتقی
۳۴۶	محمدتقی	۳۴۶	محمدتقی	۳۴۶	محمدتقی
۳۴۷	محمدتقی	۳۴۷	محمدتقی	۳۴۷	محمدتقی
۳۴۸	محمدتقی	۳۴۸	محمدتقی	۳۴۸	محمدتقی
۳۴۹	محمدتقی	۳۴۹	محمدتقی	۳۴۹	محمدتقی
۳۵۰	محمدتقی	۳۵۰	محمدتقی	۳۵۰	محمدتقی
۳۵۱	محمدتقی	۳۵۱	محمدتقی	۳۵۱	محمدتقی
۳۵۲	محمدتقی	۳۵۲	محمدتقی	۳۵۲	محمدتقی
۳۵۳	محمدتقی	۳۵۳	محمدتقی	۳۵۳	محمدتقی
۳۵۴	محمدتقی	۳۵۴	محمدتقی	۳۵۴	محمدتقی
۳۵۵	محمدتقی	۳۵۵	محمدتقی	۳۵۵	محمدتقی
۳۵۶	محمدتقی	۳۵۶	محمدتقی	۳۵۶	محمدتقی
۳۵۷	محمدتقی	۳۵۷	محمدتقی	۳۵۷	محمدتقی
۳۵۸	محمدتقی	۳۵۸	محمدتقی	۳۵۸	محمدتقی
۳۵۹	محمدتقی	۳۵۹	محمدتقی	۳۵۹	محمدتقی
۳۶۰	محمدتقی	۳۶۰	محمدتقی	۳۶۰	محمدتقی
۳۶۱	محمدتقی	۳۶۱	محمدتقی	۳۶۱	محمدتقی
۳۶۲	محمدتقی	۳۶۲	محمدتقی	۳۶۲	محمدتقی
۳۶۳	محمدتقی	۳۶۳	محمدتقی	۳۶۳	محمدتقی
۳۶۴	محمدتقی	۳۶۴	محمدتقی	۳۶۴	محمدتقی
۳۶۵	محمدتقی	۳۶۵	محمدتقی	۳۶۵	محمدتقی
۳۶۶	محمدتقی	۳۶۶	محمدتقی	۳۶۶	محمدتقی
۳۶۷	محمدتقی	۳۶۷	محمدتقی	۳۶۷	محمدتقی
۳۶۸	محمدتقی	۳۶۸	محمدتقی	۳۶۸	محمدتقی
۳۶۹	محمدتقی	۳۶۹	محمدتقی	۳۶۹	محمدتقی
۳۷۰	محمدتقی	۳۷۰	محمدتقی	۳۷۰	محمدتقی
۳۷۱	محمدتقی	۳۷۱	محمدتقی	۳۷۱	محمدتقی
۳۷۲	محمدتقی	۳۷۲	محمدتقی	۳۷۲	محمدتقی
۳۷۳	محمدتقی	۳۷۳	محمدتقی	۳۷۳	محمدتقی
۳۷۴	محمدتقی	۳۷۴	محمدتقی	۳۷۴	محمدتقی
۳۷۵	محمدتقی	۳۷۵	محمدتقی	۳۷۵	محمدتقی
۳۷۶	محمدتقی	۳۷۶	محمدتقی	۳۷۶	محمدتقی
۳۷۷	محمدتقی	۳۷۷	محمدتقی	۳۷۷	محمدتقی
۳۷۸	محمدتقی	۳۷۸	محمدتقی	۳۷۸	محمدتقی
۳۷۹	محمدتقی	۳۷۹	محمدتقی	۳۷۹	محمدتقی
۳۸۰	محمدتقی	۳۸۰	محمدتقی	۳۸۰	محمدتقی
۳۸۱	محمدتقی	۳۸۱	محمدتقی	۳۸۱	محمدتقی
۳۸۲	محمدتقی	۳۸۲	محمدتقی	۳۸۲	محمدتقی
۳۸۳	محمدتقی	۳۸۳	محمدتقی	۳۸۳	محمدتقی
۳۸۴	محمدتقی	۳۸۴	محمدتقی	۳۸۴	محمدتقی
۳۸۵	محمدتقی	۳۸۵	محمدتقی	۳۸۵	

# اخبار شهرستانها

## تهران

در بیمارستان نامداران چه میگذرد؟  
این بیمارستان که در خیابان سمیه (شریای سابق) قرار دارد توسط بنیاد شهید معاهد شده است. زیرزمین تاریک این بیمارستان را بنام "بخش" تبدیل به شکنجهگاه انقلابیون کرده اند و همواره چندین نامداران معاندات می کنند. این زیرزمین بی شایسته به خانه سرهنگ فرزندان انقلابی خلق را پس از شکنجه و آزار در زندانها، کمیته ها و خانه های امن و پس از مجروح و مضروب کردن آنان در خیابانها و یا خانه ها به این زیرزمین منتقل میکنند تا بتوانند آنها را در وقت آنها را مجدداً به زیر شکنجه بکشاند و رود به "بخش" تنها برای پرسنل محدود مورداً عمداً این مزدوران معاندات است که آنها را چند مزدور مسلح همراهی می شوند و تنها با سداران سرما به مخصوص دادستانی در شب و نیمه شب آزادانه وارد شده این جوانان پرشور را در زیر ضرب و شتم و کتک و فحش و با کشیدن موکوبیدن سریدوار با زجوشی می کنند. به مجرد اینکه این زندانیان کمی بهبود میابند آنها را از تخت به زیر کشیده و به زندانی دیگر منتقل می کنند. پرسنل زحمتکش بیمارستان بشدت از این اعمال سنگین ابراز تنفر میکنند ولی از سوی سداران به اخراج و بازداشت تهدید شده اند.

اخباری از پادگانها  
مزدوران رژیم نیروهای انقلابی را در پادگانها شتاسایی کرده به سداران اطلاع میدهند و با سداران و کمیته های مزدور بی هیچ مانعی به پادگان داخل شده انقلابیون را دستگیر می کنند. نمونه این مسئله در پادگان لاهوتی دیده شده که فرمانده مزدور پادگان نه تنها هیچ عکس انقلابی نشان نمیدهد بلکه حتی در مورد همکاری با سداران نیز هست.

رفقا در پادگان ..... در رابطه با انتخابات دست به شام رنویسی زدند. شامها را با مضمون تحریم انتخابات آزاد زندانیان سیاسی و شامهای محوری سازمان را در میانها شامی کاغذی مشخص از جمله با نگاه و ساعت آن نوشته اند. ساعت ۳ با مداخله اطلاع از شام رنویسی به گروهان خدمات آماده باش داده میشود که باعث اعتراض سواران خدمات گردید به حال شامها را با رنگ پاک کردند. صبحگاه عمومی فرمانده پادگان و معاونش آنچنان خشمگین بودند که تحمل نیاوردند و با نگاه را ترک کرده به دفتر رفتند و تنها پس از مدتی خود را کنترل کرده برگشتند. فرمانده پادگانها را به جایگاه فراخواندند و در رابطه با شام رنویسی تهدیداتی کرد. پنجشنبه و جمعه پادگان "گلا" آماده باش بود اما در روز جمعه دوباره شام رنویسی تکرار شد. فرمانده مزدور پادگان دستور داد تا شام رنویسی و پخش تراکت و اعلامیه در سربازانها خفته نشود و سربازان با زداخت و ممنوع الخروج باشند و در صورت ادا مابین حرکات سرگروهانهای پادگان نیز با زداخت و ممنوع الخروج خواهند شد. مزدوران رژیم تمهیدات و روشهای خود را در این تهدیدات و روشهای خود خلقی در میان صفوف متحد پرسنل شگاف بیندازند. اما این روشهای مزدورانها تا بحال تا شیری نبوده است.

## قزوین

در نزدیکیهای یازار، پدر یکی از مبارزان که اعدا می کرده بودند راه میرفت و بلند بلند فحش میداد و میگفت: بیاید مرا هم بگیرید اعدا کنید. بمرمن بازویم شاه مبارزه کرد با شما هم مبارزه کرد و حلالین با شما مبارزه می کنم. مردم دورا جمع شده بودند، بکنفر میگفت خودش هم کارگزار است و پسرش هم کارگر بود. اعدا می کردند. حال خودش را تکبیر بنسند خوبست. بخیل دستی او گفت ما هم باید مثل او قریباً دیکشیم نه انگاه زد و حرف بزیم در این اثناء ما مورین با زار آمده و را بردند.

سنگ مزارستان از رفقای سازمان در سالهای گذشته که در قزوین هستند بوسیله حزب الهی ها خرده شده است، در مورد شهدای جدید و قدیم ما هدین نیز با این عمل صورت گرفته است.

۲۲ تن از تجار با زار قزوین که برنج فروش هستند اقدام به تشکیل یک شرکت تعاونی کرده اند و قصد خرید برنج را دارند این اقدام مسلماً در آبندهای نه چندان دورا نصرا خریده و وا رد کردن و توزیع برنج را به نصرا را این تجار در خواست آورد.

تعداد زیادی از پادگان و کمیته جی های شناخته شده از شهر خارج شده اند که از سوی برای حفظ جان شان و از سوی دیگر برای دستگیر کردن نیروهای انقلابی قزوین که شهر را ترک کرده اند، هر کدام از آنها دارای آلبومی از عکس نیروهای انقلابی هستند. تعداد آنها ۱۵۰ عدد است. اینها مسلح به کلت بوده و برای عدهای از عکسها حکم تیراندازی هم گرفته اند. به جای این عده تعدادی از پادگان و کمیته های قهرآوردند.

تعدادی از افراد کمیته قزوین به تهران برای کمک اعزام شده اند. تهران مرتباً به قزوین برای فرستادن کمک فشار می آورده است.

۲۲/۷ در پمپ بنزینی در راه همدان در رابطه با کوپنی شدن گاز ژوشیل، فردی به پادگان مستقر در آن مکان اعتراض مینماید که با حمله با سداران مسکوکور موا چه میشود طبق خبر رسیده با سداران زک کرده بدون مقدمه به طرف فرد مترقی شلیک کرده و او را از پای در می آورد. مردم فرد در صحنه که از این حادثه ماتم و بهیوت شده بودند شروع به اعتراض می نمایند ولی با سداران دگی جواب میدهد، جلوی من ایستاده بودی خودی حرف میزد.

## آذربایجان

در دو توریسوار مسلح، حمید غریبانی، ۶۰/۷/۲۶ روز یکشنبه ۶۰/۷/۲۶ دادگاه سابق دادسرای انقلاب اسلامی اردبیل را بهنگام مراجعت بمنزل در مقابل منزلش به گلوله بسته و به هلاکت رساندند. طبق تعریف شاهدان عینی دوبا سداران که در پشت با منا میرده کشیک میدادند به موتورسواران تیراندازی نمودند، لیکن برای ترسلیک متقابل آنها یکی از پادگان از آنها عیبها زنی شد و موتورسواران موفق به فرار شدند.

این شخص (حمید غریبانی) در زمان شاه در جاده ارتش بود که بعد از قیام از ارتش با کسای شده بود، لیکن پس از مدتی کوتاه سرازاد دسرای انقلاب اسلامی دز آورده بوده است. بگفته برخی از مردم وی در پاره ای از اهدا میهای اخیر شهر دست داشته است. گروهی با زار شهر بگروزی

به آیین مناسبت تعطیل دولتی فقط حدود پانصد نفر از مردم در این تشییع جنازه شرکت داشتند.

رو به فرقه ای عمل تا شیر مشتی روی تیمی اقا مردم داده شده است. بدستور دادستان انقلاب اسلامی و به توسط پادگان دفتر دادستان اسلام اردبیل و کتا بفروشی وابسته به آن مهر و موم و اسلحه ها و وسایل دفتری توقیف شده است. عده ای از سردمداران آن نیز از جمله طاهر عباسی، قاتل یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق در یورش به دفتر جنبش مجاهدین، دستگیر و زندانی شده اند و دفترها را آنها نیز دو شب بعد از بستن دفتر در یکی از خیابانهای اردبیل مورد اعبات گلوله قرار گرفته و زخمی شده اند. گروهی در شهر شایع شده است که این عمل به دلیل مسائل خدای خلق از قبیل مشروب خواری افراد آن، با ترویج فحشا و عمل لواط و... لیکن بستن روزنامه منبر دولت (ارگان فداشبان اسلام) بگفته پیش از آن صورت گرفت و بنظر میرسد که این امر بدلیل تصدای درونی هیئت حاکمه صورت گرفته باشد. از عملگردهای این ارگان (با بهتر بگویم با نسیاسه)، یورش به دفتر مجاهدین خلق که منجر به کشته شدن یک نفر، اعدام شدن

چندین نفر و دستگیری دهها نفر شده است. جمله به بیگاران متعین در اداره کتک اردبیل، جمله به تیمی مداری و بویژه مدرسه دخترانه مدینه رضائی در سال تحصیلی گذشته و... که همگی این اعمال با همکاری نزدیک و در زیر آتش پشتیبانی برادران با سداران انجام گرفته است.

۲۲ ساعت ۶۰/۷/۲۷ با سداران حمید دادفرمان به همراهی با سداران بنام علی... سیزده نفر از زندانیان سیاسی را در داخل بند زندان به رگبار بسته و به شادت رساندند. طبق اخبار رسیده ایندو با سداران برای بردن سرفرازانهای مزدور برای اعدام، داخل زندان شده و آنها را احاطه میکنند. لیکن همبندان آن سه نفر مانع بردن آنها برای اعدام میشوند. که با سداران نامیردها و شکی تمام همگی آنها را رگبار می بندند. آثار شکنجه روی بدن همگی زندانیان به عیان مشخص بود.

فردی از زور عدهای اعضای خانواده شهیدان که برای گرفتن جسد دفن زندانشان در مقابل سردخانه بیمارستان دکتور فاطمی اجتماع نموده بودند، به تظاهرات پرداخت و شامهای "مرگ بوجوهی" اسلامی، "مرگ بر خمینی" "علاء" میدادند.

در اطراف شهرک فرهنگیان منطقه ای وجود دارد که تمام جمعیت آنرا خانواده های بسیار فقیری تشکیل میدهند. اکثر ساکنین این منطقه کارگران ساختمانی و دهقانان فقیری هستند که از روستاهای اطراف به این منطقه کوچ کرده و با فروش کلیه اموال خود با خشت کلي و بلوک سرپناهی برای خود تهیه کرده اند. فقرو بی چیز در این منطقه پیدا می کند. اهالی این منطقه برای بدست آوردن آب آشامیدنی که یکی از مهمترین خواسته های آنهاست با راه به استان داری و شهرداری مراجعه کرده اند تا شاید از این اما زده ها معجزه ای رخ دهد. اما هر با ر جواب منفی و اها نت آمیزی از این ارگانها دریافت داشته اند. اخیراً نیز عده ای از این زحمتکشان به استان داری رفته و تهدید نموده اند که اگر آب آشامیدنی به آن منطقه نیوله کشی نشود با خانواده ها بشان در ایستادگی تحمل خواهند نمود.



### فقی شکنجه بوسیله شکنجه

در نمايشي كه تحت عنوان افشاي به اصطلاح گروهكها، دوشنبه شب هفته گذشته از تلویزیون پخش شد، رژیم تلاش کرده بود تا چنین وانمود سازد که در سبب هلاک آنها بشکنجه وجود ندارد. اما این برنا مه آنتنان رسوائی برای رژیم ببار آورد که حتی گردانندگان این برنا مه نیز تصدیق نمی کردند. مزدوران رژیم تعدادی از جوانان زندانی در سنین ۱۲- ۱۸ سال بقیه در صفحه ۵

### گرامی یاد خاطره فدائی خلق رفیق شهید پرویز عندلیبیان



رفیق پرویز در سال ۱۳۳۹ در میان دو آب در یک خانواده زحمتکش متولد شده دوران کودکی خود را با توجه به وضع مالی نا مساعد خانواده با مشقت گذرانند و تا بیست نه ساله کارگری میپرداخت و از نزدیک با دردورنج کارگران آشنا میشد پس از اتمام دوره اول دبیرستان، به علت مشکلات مالی خانواده تحصیل را رها کرد و به تهران رفت و مدت چند ماه به کارگری مشغول شد و سپس در دوران ت و ورودی دانشسرای مقدماتی ارومیه شرکت کرده و قبول شده در آن موقع مبارزات مردم بر علیه رژیم شاه شکوفا شده بود و رفیق نیز فعالانه در دوش خلق به مبارزه برخاست و هنگامیکه بدستال - اعتصابات سراسری، دانشسرا نیز تعطیل شده میان دو آب آمد و در تظاهرات ضد رژیم شاه شرکت میکرد تا اینکه با مواضع سازمان آشنا شد و از این زمان فعالیت سیاسی خود را حول تبلیغ مواضع سازمان ادامه داد. سپس با انتقال دانشسرا به زقیام راه خوی، او نیز برای ادامه تحصیل به آنجا رفت و مبارزات خود را همچنان ادامه داد پس از اتمام تحصیل با شناختی که مسئولین دانشسرای میان دو آب از وی داشتند از استعفا و خودداری کردن دور رفیق بیکار شد. در جریان انشعاب اکثریت آگاهانه مواضع سازمان را پذیرفت و فعالیتت سیاسی خود را در تبریز ادامه داد. در ۲۲ - بهمن ۵۹ هنگام حمل نثر به کار مورد سوءظن پاسداران قرار گرفت اما موفق شد از مملکت بگریزد و به تهران بیاید اما مجدداً به تبریز بازگشته به فعالیتش ادامه میدهد و در آنسهل انگاری مسئول مربوطه در حمل توزیع نثر به همراه دور رفیق دستگیر شده و زندان تبریز شکنجه دژ خیمان رژیم بشها تا میرسد. رفیق فوق العاده پرشور، بی گبر و فعال بود و در انجام وظایف انقلابی هیچگاه سستی نداشت و راه نمیداد، او همواره میگفت: آرزو دارم فدائی و ارزندگی کنم فدائی وار در راه کارگران بزرگمکشان شهید شوم و تا من را با ستاره سرخ زینت دهند، با دشمن گرامی می باد

### گرامی یاد خاطره فدائی خلق رفیق شهید اغلامحسین زینی وندنژاد



فدائی خلق غلامحسین زینی وندنژاد "غلام" در سال ۱۳۲۲ در یکی از روستاهای صومعه شهر برنا مه شام آباد از توابع ایلام در یک خانواده فقیر کشا ورز دیده به جهان گشود، تحصیلات ابتدائی خود را در روستای مذکور با موفقیت چشمگیری بپایان رساند و دولی بعلمت فخرییش از حد ما لسی نتوانست ادامه تحصیل بدهد. رفیق برای امرار معاش خود و خانواده اش مدت چهار سال در محرومیت و سختی و سرما و گرما به شغل چوپانی پرداخت، سعه، صدرو استقامت و پشتکار و نظم و ترتیب رفیق در زندگی روزانه زبا نزدیک به روستا شیان بود. در همان موقع نفرت و کینه عجیبی نسبت به اربابها و خانهای منطقه داشت. پس از اتمام خدمت سربازی در سال ۵۶ به استخدام آموزش و پرورش در شغل خدمتگزاری درآمد، هوش و ذکاوت رفیق باعث گردید که هر سال تحصیل را با موفقیت پشت سر گذارد و به اخذ سوم متوسطه نائل آید. رفیق در جریان قیام با سازمان آشنا شد و پس از قیام در منطقه بنا میکی از هواداران آشتی نا پذیر، با خانهای منطقه و از معتقدان به مبارزه طبقاتی شناخته شد بطوریکه کاری بود در چشم خانهای منطقه و امیدی برای دهقانان. رفیق غلامبختوان هواداری مادی در جهت شناختن سازمان را از مواضع انقلابی آن لحظه ای آرام نمی ماند، به همین منظور به روستاها میرفت و اعلامیه و تراکت های سازمان را در بین آنها پخش میکرد و شعرا رنویسی پروری دیوارها یکی از کارهای جانبی او بود. پس از انشعاب ضمن صحنه گذشتن بر مواضع و سیاستهای انقلابی سازمان و اقدام به پیشبرد آن به اقتضای خط و منشی سازشکارانه و روبرویی با اکثریت پطیبه کارگزار اکثریت "کمیته مرکزی" میپرداخت در تیرماه ۶۰ از آموزش و پرورش اخراج گردید تا اینکه در نهم شهریور شیان به مورد پرورش وحشیانه پاسداران سرما به قرا گرفت و دستگیر شد. در مقر پاسداران دره شهر رفیق در حالیکه زبر و وحشیانه ترین شکنجه پاسداران سرما به بود و از او میخواستند که اسم رفیق را بگوید، او در جواب بقیه پاسداران مزدور میگوید: شما وظیفهتان را انجام بدهید، وظیفه شما فقط شکنجه است. در حالیکه رفیق تمام بدنش کبود شده بود و پشمی توپ نیست روی پای خود - با ایستد، استقامت و پایداری و روحیه قوی او در مقابل شکنجه های وحشیانه باعث تعجب و حیرت خود پاسداران سرمایه گردیده بود. در تاریخ ۶۰/۶/۱۲ رفیق را به بیادگاه ایلام انتقال میدهند و در بیادگاه رژیم جمهوری اسلامی شیان به از مواضع انقلابی سازمان دفاع نموده و عازبه نوشتن توبه نامه و همگاری با بقیه در صفحه ۱۵

بناب است خون من در دست کارگر  
دانی است خون من در دست تاجر

### گرامی یاد خاطره فدائی خلق رفیق شهید اصغر جزایری



رفیق اصغر در سال ۱۳۲۲، در یک خانواده مذهبی، در خرم آباد دنیا آمد. فعالیت سیاسی اش از اوایل دوران دبیرستان در رابطه با مافل مارکسیستی آغاز شد. سال ۵۳ بدلیل رابطه با گروه آرمان خلق، توسط ساواک دستگیر شد. زندان شاه مانند زندان رژیوم جمهوری اسلامی فدا شیان خلق را بزرگ شکنجه میکشید، او نیز هفته ها در زیر شکنجه سخت مقاومت فدا شیان را پاس داشت و سکوت اختیار نکرد. سال ۵۴ زندان توسط فدا شیان دربندبندگانی برای آبدیده کردن کمیونستها و سایر مبارزان تبدیل شده بود. سال ۵۷ تحولی اساسی آغاز میشد، صدای پائی که اصغر از لسانیها پیدایش، گویا آنرا بوضوح می شنید، همراه با فریاد موج گونه خلقی که میآید مدد در آنها را بگشا بدو فرزندانش را در آغوش بگیرد بلند تر شد و خلق او را از زندان رها نید. او را ۵۷ با گشوده شدن مجدد دانشگاهی که شاه بسته بود رفیق در پیشگاه تربیت معلم فعالیتها به کار پرداخت و اداره کلاسهای تشویک پیشگاه را به عهده گرفت در همان زمان در ارتباط با رفیق لریستان مسئولیت سازمانی گرفت. پس از اظطرد جناح اپورتونیست، سازمان رفیق با فعالیت پیگیریه سازمان ندهی دانشجویان پرداخت. بتدریج که رژیم جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را بنوده نشان داد، دانشگاهها توسط رژیم بسته شد و رفیق مسئول توزیع و تبلیغات غرب تهران شد. همزمان با پرورش علنی و وقیحانه رژیم برای از بین بردن تمام دستاوردهای قیام، رفیق ماهنگام صبح که به خانه اش میرفت با او با شان دستگاه حکومتی روبرو شد. پاسداران او را همراه دور رفیق دیگر با خود بردند و بلاخره در تاریخ ۲۶ شهریور ماه او را در منشا نه شهید کردند. جسد رفیق را که از فرط شکنجه تکه تکه شده بود تنها چند نفری دیدند، جسد را حتی به خانواده او ندادند، شیان به در گوشه ای از این خاک خون آلود جنازه کمیونستی را میبردند تا شاید با ریختن خاک بر آن آتش شعله ور انقلاب را خاموش سازند. مزدوران حتما موقع شکنجه داغ شکنجه ای شاه را بر پیکر او دیده بودند و مزدوران حتما "مانند" ساواکیهای شاه به او پیشنها سازش کرده بقیه در صفحه ۱۵

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد